

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

## هدف اساسی پیمان جدید نظامی آمریکا داخله در امور کشورهای منطقه و تدارک تجاوز نظامی به جمهوری اسلامی ایران است

یک اتحاد سیاسی و نظامی گسترده علیه رژیم-های انقلابی و مستقل ملی منطقه خلیج فارس و قیاموس هند بوجود آورد . پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان تناسبات نیرو در این منطقه به زیان امریالیسم و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آن بطور ماهوی دگرگون شد و از آن تاریخ به بعد تمام کوششهای امریالیسم در آن راه بکار می رود تا از پیشرفت و تعمیق این روند تغییر تناسبات نیروها جلوگیری نماید و مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی از دست رفته خود را در این منطقه جبران کند. طرح ایجاد بقیه در صفحه ۶

امریالیسم آمریکا که موفق نشده است با توطئه‌های بی دریغی خود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از پای در آورد و مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی از دست رفته خود را در نتیجه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران باز یابد، همزمان با ادامه طرحهای جدید توطئه به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، به دستگیری رژیمهای ضد خلقی و وابسته به خود، تلاش دارد یک پیمان نظامی تجاوزکار در این منطقه تشکیل دهد و بدینوسیله از یک سو حضور نظامی رو به افزایش خود را در این منطقه دائمی سازد و از سوی دیگر با شرکت همه رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده خود در این پیمان،

# دقت کنیم و بهبتر بنگریم

کترین نگرانی در باره شان هست و نه بهانه‌ای برای مظلوم نمایی. با این همه، در محیط پر تشنج کنونی جهان، بسا چیزها با سرنوشت این پنجاه و دو تن که به گفته آقای رجایی "کروگان ملت ایران" هستند بستگی دارد و میتوان با پاپ رم در این نکته موافقت نمود که مشکل این گروه یکی از خطرناک‌ترین است که بشر امروز با آن روبرو است. خطر، که باید شناخت بقیه در صفحه ۸

جاسوسان دیپلمات نمای آمریکا برای دومین بار امکان یافتند که میلاد مسیح و آغاز سال نو مسیحی را در ریاض داشت جشن بگیرند. آنان نامه‌ها و هدیه‌هایی را که برای شان فرستاده شده است دریافت کرده‌اند و مردم جهان هم توانستند در تلوویزیون‌های خود آنان را در آسایش و سلامت کامل به هنگام اجرا مراسم مذهبی جشن با حضور نماینده واتیکان و چند کشیش ایرانی ببینند. پس نه جای

## انقلاب لائوس:

### کامیابیها و چشم اندازها

است. انقلاب سوسیالیستی اکثر اثر عظیمی بر آن داشته است. کمیون فوریان در بیر اول کمیته مرکزی حزب توده انقلابی لائوس و نخست وزیر جمهوری دموکراتیک خلق لائوس در این باره خاطرنشان می سازد: در عصری که بنظر می رسد لائوس به کام شب ظلمانی و بدون روشنایی فرورفته، انقلاب اکثریت را بر تو خود راه آزادی خلقهای هند و چین را منور ساخت. حزب کمونیست هند و چین که در ۱۹۳۰ تأسیس شد در گسترش روند انقلابی در کشورهای جنوب شرقی آسیا نقش عمده ای ایفا کرده است. حزب کمونیست هند و چین رهبری جنبش انقلابی را در سه کشور هند و چین: ویتنام، لائوس و کامبوج (امروزه کامبوج) به عهده داشت.

شکست آلمان نازی و ژاپن میلیتاریستی در ۱۹۴۵ آغاز مرحله نوینی در جنبش آزادی بخش خلقهای هند و چین بود. انقلاب ماهوت در ویتنام در ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۵ منجر به اعلام نخستین دولت کارگری و دهقانی در جنوب شرقی آسیا شد. در ۲۲ اکتبر همان سال استقلال لائوس اعلام شد. حزب توده لائوس (که در فوریه ۱۹۷۲ به حزب توده انقلابی تغییر نام یافت) در ۲۲ مارس ۱۹۵۵ پی ریزی شد. این حزب وارث و ادامه دهنده راه افتخار آمیز حزب کمونیست هند و چین است و از این رو رهبری بقیه در صفحه ۷

## قتل عام در کامبوج (۳)

بقیه در صفحه ۳

## تراژدی گواتمالا

بقیه در صفحه ۳

در دگرگونیهای انقلابی دوران اخیر جهان، انقلاب لائوس جای مهمی دارد. این انقلاب که به رهبری حزبی با جهان بینی کارگری بوقوع پیوست، به لائوس امکان داد با درازدن مرحله رشد سرمایه داری پایه‌های سوسیالیسم را شالوده ریزی کند. ویژگی‌های خاص و گرایش‌های انقلاب لائوس نشان می‌دهند که چگونه تئوری، استراتژی و تاکتیک پرولتری مبارزه انقلابی می‌تواند در کشورهای کوچک که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کم رشدند به کار گرفته شوند و برای جنبش انقلابی بین‌المللی و جنبش‌های بخش ملی مورد توجه قرار گیرند.

### مراحل مبارزه

انقلاب لائوس از مراحل مختلفی گذشته

## تحکیم صلح و پیشرفت تنش زدایی، آزادی و استقلال، ترقی و رفاه همگانی نیازمند مبارزه پیگیر و قاطع علیه امریالیسم است

چهار سال پیش (۱۹۷۶) برزیل، که هنوز به سمت مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا منسوب نشده بود، و پرفسوری کارشناس در شوری ستیزی بود، آشکارا با این نظریه، که تنش زدایی بدل دیگری جز تشدید خطر جنگ ندارد (نظریه‌ای که حتی اکثر سیاستمداران واقع بین کشورهای سرمایه داری نیز پذیرفته بودند) مخالفت می‌کرد. او در بقیه در صفحه ۶

مردم جهان امیدوار بودند که نهمین دهه قرن بیستم میلادی سالهای صلح، ترقی و شکوفایی باشد. اما محافل حاکمه امریالیستی همه تلاش خود را به خرج می‌دهند تا این امید خلق‌ها را به یأس مبدل کنند. در آستانه این دهه وضعیت بین‌المللی باز به وخامت گرایید است. سیاستمداران امریالیسم آمریکا و برخی کشورهای ناتو را متخریب تنش زدایی و تشدید مسابقه تسلیحاتی را پیش گرفته‌اند که فقط می‌تواند به افزایش خطر جنگ منجر شود. و برخلاف ادعاهای کذب اندیشمندان و مبلغین رنکارنگ امریالیسم، رویدادهای واقعی جهان نشان می‌دهند که محافل نظامی و تجاوزکار امریالیسم زچنگ پیش چنین خط مشی را پیش گرفته‌اند.

## "سوسیالیسم دموکراتیک" موهومات فرمیستی و واقعیت‌ها

در این مقاله تنها جوانب "راه" مذکور در کشورهای پیشرفته سرمایه داری اروپا که زادگاه اصلی این تئوری است. مورد بحث قرار می‌گیرد و با زتاب آن در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین به فرصت دیگر موعول می‌گردد. بقیه در صفحه ۲

آباد روبرو و سیستم متضاد جهانی: سرمایه داری و سوسیالیسم انتخاب بینا بینی وجود دارد؟ جستجوی "راه سوم" عده زیادی از تئوری پردازان بورژوازی و فرمیستی راه تدارک راه حل "میانی" و فرمول بندی مفهومی سوق داده است که غالباً از آن به عنوان "سوسیالیسم دموکراتیک" یاد می‌کنند

روابط حاکم و مسلط گذشته در داخل واحد-های مختلف، از جمله واحدهای مشاوره فنی، می‌تواند نشانه عدم شناخت نیازهای جدید جامعه و یوا و ایسگرانی باشد. می‌دانیم که صرف نظر از انگیزه ایجاد "سازمان برنامه و" برنامه‌های عمرانی، که بقیه در صفحه ۴

می‌شویم که در جامعه قبل از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، برد هرگونه اقدام در زمینه توزیع عادلانه درآمد و واحدهای مشاوره فنی بسیار محدود بوده و توقع تعمیم آن نمی‌توانست جز به پندار بانی و ساده اندیشی تعبیر گردد. به همین ترتیب، در شرایط بعد از انقلاب هرگونه سعی در حفظ

## واحدهای مشاوره فنی در گذشته، حال و آینده

دکتر قالی‌بافیان  
اگر به این نکته توجه کنیم که فعالیت انسان - ها جدا از جامعه نبوده، دریافت و شرایط کلی حاکم بر آن انجام می‌پذیرد و هر فرد یا هر واحد به صورت جزئی از جامعه و با رعایت ضوابط آن کار تولید می‌کند، بلافاصله متوجه



بقیه از صفحه ۱

### “سوسیالیسم دمکراتیک”

هر قید و شرطی که با اصطلاح “سوسیالیسم دمکراتیک” همراه باشد، بازندون تردید نفاشگراید ثولوزی سوسیال دموکراسی است. رهبران انترناسیونال سوسیالیست (اتحادیه بین المللی احزاب سوسیال دموکرات که در ۱۹۵۱ بوجود آمد) اظهار می دارند که این سوسیالیسم به اخلاق مسیحی، انسان گرایی، فلسفه کلاسیک و حتی برخی جنبه های ... مارکسیسم تکیه دارد.

### انحراف در مسائل کنونی

پیدايش سوسیال دموکراسی به انشعاب در جنبش کارگری و انحراف رهبران اپورتو نیست راست بین الملل دوم در رابطه با دکتربین مارکس که توسط لنین بسط یافت و انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه آن را تأیید نمود مربوط می شود (انترناسیونال دوم اتحادیه بین المللی احزاب کارگری است که در ۱۸۸۹ بی ریزی شد. این انترناسیونال نخست از مارکسیسم الهامی گرفت سپس اپورتونیست های راست هوارتجدید نظر در دکتربین مارکس آن را به راه خود کشاندند). سپس، سوسیال دموکراسی رفتارهای متفاوتی نسبت به مارکسیسم از نیمه پذیرش تانگی کامل آن - در پیش گرفت. نگی کامل مارکسیسم برای سوسیال دموکراسی معاصر نمونه وار است.

مسأله مالکیت در سوسیالیسم مسأله کمرهی و اساسی است. اسناد برنامه احزاب مختلف سوسیال دموکراسی حفظ مالکیت خصوصی را توصیه می کنند. ب. گرایسکی رهبر سوسیال دموکراسی اطریش اعلام می دارد که حق مالکیت خصوصی به عنوان نمود عالی سوسیالیسم باید حفظ شود و سوسیال دموکرات ها نیز مارکس را در باره سلب مالکیت از سلب مالکیت کنندگان رد می کنند. گرایسکی که صرف نظر از کوشش در توجیه مسأله به حفظ ارکان جامعه قدیم در اقتصاد و سیاست اعتقاد دارد، یادآور می شود که آنچه برای “سوسیالیسم دمکراتیک” اهمیت دارد، مالکیت بروسایل تولید نیست، بلکه کنترل آن است. اما همانطور که واقعیت نشان می دهد کنترل زندگی اقتصادی همیشه در دست کسانی است که بروسایل تولید مالکیت دارند. نه در آلمان عربی، نه در سوئد و هیچ کجای دیگر زحمتکشان در حکومت سوسیال دموکرات ها نتوانسته اند از اد بارزندی اسبارت بار سرمایه داری نجات یابند. در این کشورها انحصارات بزرگ امپریالیستی علی رغم مشاطه گریهای سوسیال دموکرات ها به استثمار زحمتکشان مشغولند و به حساب آنها گاو صندوق های خود را پر می کنند.

برخورد سوسیال دموکرات ها با مسأله قدرت بهتر از مسأله مالکیت نیست. در باره این موضوع افکار بالنسبه روشنی در هیچ یک از برنامه های سوسیال دموکرات ها دیده نمی شود. بنابه قاعده کلی، آنها به استدلال مبهم پیرامون سازمان دولت، جنبه های مثبت و منفی آن و نیز به اظهار عقیده کلی در باره روابط مطلوب بین دولت و اقتصاد، دولت و سندیکاها، دولت و احزاب سیاسی اکتفا می کنند. این بیان های کلی هیچ چیز را روشن نمی کنند و تنها پوششی برای پنهان نگاه داشتن افکار باطنی کوبندگان آنها است بدیهی است که سوسیال دموکرات ها با پوشیده نگاه داشتن مسأله قدرت سعی در تخطئه ماهیت طبقاتی آن دارند و با ایمن حیلان را پدید های فوق طبقاتی نمی نمایند و این امید را در تودو ها بر می انگیزند که چنانچه

دولت به سوسیال دموکرات ها منتقل شود همه مصیبت ها و نا کامی ها پیشانیان می گیرد اما تازه ترین تجربه در برتقال می آموزد که چگونه جناح راست سوسیال دموکراسی برای بازگشت راستگرایان به قدرت دستاورد های انقلاب را در دست تسلیم حیان سرمایه می کند. بدیهی است در دولتی با ماهیت بورژوازی که در آن گروه بسیار کوچکی از جمعیت کشور به نفع اندکی از سرمایه انحصاری اهرم های بزرگ قدرت را در دست دارند، گفتگو با اصول سوسیالیستی عدالت و آزادی تا چنانچه بی معناست. تعبیر سوسیال دموکراسی در باره دولت عاری از واقعیتی است که مارکس به کشف آن نا ئل آمد و هزاران بار در عمل با ثبات رسیده است. بر حسب آن دولت بورژوازی ابزار فرما - نیروی سیاسی بورژوازی به طور عام و قشر های انحصاری آن بطور خاص است.

اعلام آزادی، عدالت و همبستگی برنامه عینی سوسیال دموکراسی را تشکیل می دهد. سئوالی که در این جا مطرح می شود این است که چگونه می توان با حفظ سیستم سرمایه دار که مبتنی بر هرج و مرج در تولید و بیکاری مزمن است برای هر فرد طبق استعدادش شغل تأمین نمود و در نهایت به بیکاری پایان داد. عدالتی که احزاب سوسیال دموکرات از آن دم می زنند. عدالت در کام شیراست. در شرایطی که انحصارات بزرگ سرمایه همه اهرم های قدرت را در دست دارند تأمین عدالت و آزادی برای زحمتکشان که اکثریت قاطع جامعه را تشکیل می دهند، خواب و خیالی بیش نیست. سوسیال دموکرات ها با این افسون ها مانع از تعمیق مبارزه زحمتکشان بر ضد انحصارات بزرگ امپریالیستی و درهم ریختن قدرت آنها می شوند.

واقعیت کشورهای سرمایه داری نشان می دهد که ۲ تا ۳ درصد جمعیت کشوری از ثروت ملی و بقیه نیم دیگر را در دست دارند بنابراین در چنین شرایطی تأمین امکانات مساوی برای همه فقط به “معجزه” سوسیال دموکرات ها امکان پذیر است! سوسیال دموکرات ها می خواهند بدون آسیب رساندن به پایه های نظم کهنه اجتماعی: مالکیت خصوصی و قدرت سرمایه که سرچشمه همه بی عدالتی ها و آزادگی هاست. کاخ عدالت را برپا نمایند و این از عجایب تاریخ است.

در حقیقت برنامه سوسیال دموکراسی کنونی یادگترین “سوسیالیسم دمکراتیک” به یک رشته فرم ها محدود می شود که هدف آن اصلاح این با آن جنبه از واقعیت سرمایه داری و “سوسیالیستی کردن” اقتصاد و دولت در زمینه های معین است. بدیهی است که کاربرد این شیوه برای مدیریت اقتصاد سرمایه داری موثرتر از مدیریت است که به وسیله بورژوازی اعمال می شود. در عین حال در جنبش سوسیال دموکراسی جریانی وجود دارد که صراحتاً بازگشت به شعارهای انقلابی در زمینه حذف کلی مالکیت خصوصی وسایل تولید، تفویض قدرت به طبقه زحمتکش و اتحاد با کمونیست ها را برای رسیدن به این هدف ها توصیه می کند. تقسیم سوسیال دموکراسی به عنوان یک خانواده در فکر سیاسی به جناح های چپ و راست از خصلت تقریباً دائمی آن است.

باتوجه به آنچه گفته شد، در نماهای جنبش سوسیال دموکرات کدامند؟ جواب به طور کلی این است: اگر این جنبش به تدریج رفتار انقلابی را بپذیرد، نقش سازنده ای در نوسازی اجتماعی ایفا خواهد کرد. اما اگر همچنان جناح راست بر آن حاکم گردد و نقش فرمان اجتماعی را برای جلوگیری از جان نشین شدن شکل بندی های اجتماعی - اقتصادی به عهده گیرد، سر نوشتی بهتر از سرمایه داری نخواهد داشت. “سوسیالیسم دمکراتیک” به هیچوجه پاسخگوی مسائلی که در پایان قرن بیستم

برای جنبش کارگری مطرح می شوند، نبوده، بلکه شیوه ای برای پنهان کردن این مسائل به شمار می روند.

### یک تضاد منطقی

در برخی موقعیت ها، جنبش های اجتماعی در وضعی قرار دارند که در نماهای تاریخی - شان را پیش بینی کنند. در این صورت آنها کورکورانه عمل می کنند و تن به خطر می دهند. در دوران ما چنین حالتی وجود ندارد. ما در عصری زندگی می کنیم که در آن جریان حوادث نشان می دهند که گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم ناگزیر است. در چنین شرایطی ستایش از سیاست گام های کوچک و چشم پوشیدن از هدف های استراتژیک جنبش کارگری خواه ناخواه به معنای عدول از این جنبش و فرو افتادن در دام کمراهی است.

پافشاری جناح راست سوسیالیست را در تکرار شعار های نیمه انقلابی و آشکارا سازشکارانه باید به چه چیز مربوط دانست؟ آیا این یک وفاداری و پیروی از تعالیم شخصیت های اپورتونیست بین الملل دوم است؟ البته، سنت ایدئولوژیک در دریافت های تئوری پردازان سوسیال دموکراسی نقش بی چون و چرا و کتمان ناپذیری ایفا می کند و بخشی از تظاهراتشان از آثار کائوتسکی، برنشتین، آدلر و بوئر، لاسکی و بلوم (۱) منشأ می گیرد بدیهی است که سرچشمه های اپورتو - نیسم را تنها نباید در سنت و یاد رکم به یاد دادن به امکانات سوسیالیسم بلکه به یک اندازه باید در برپا دادن به امکانات سرمایه داری جستجو کرد. شکل بندی خط مشی سوسیال دموکراسی معاصر فوق العاده تحت تأثیر کشورهای صنعتی سرمایه داری در دوران پس از جنگ قرار داشته است.

پس از تشدید بحران عمومی سرمایه داری بورژوازی انحصارگرا چارشد برای حفظ خود در مسابقه با سیستم جهانی سوسیالیستی تدابیر فوری اتخاذ نماید. از این رو به این نتیجه رسید قدرت را به احزاب سوسیال دموکرات واگذارد، به شرطی که آنها به حریم مقدس مالکیت خصوصی زیان نرسانند. در دهه ۶۰ و آغاز دهه ۷۰ تعدادی از کشورهای صنعتی سرمایه داری با پیشرفت ناگهانی روبرو شدند. این پیشرفت نسبی، که توسط تبلیغات امپریالیستی به عنوان واقعه ای پایدار برای سرمایه داری معاصر معرفی شده بود، محصول “فرم حقیقی” بود که نتایج سیاسی - اجتماعی زیر پایه دنبال داشت: جناح راست سوسیالیست را در ستایش از اقتصاد موسسه خصوصی توجیه نمود این باور را در وی بوجود آورد که عصر سلطه سوسیال دموکراسی بر بنیاد برنامه سنتی آن مبنی بر همکاری طبقات در رسیده، به قشر مهمی از جمعیت کشورهای صنعتی سرمایه داری القا نمود که بین این برنامه و اعتدالی سطح زندگی پیوند وجود دارد. این وضعیت به تحکیم نفوذ احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات کمک نمود.

آیا حکومت های سوسیال دموکرات توانسته اند به ایدئالهای سوسیالیستی نزدیک شوند؟ ۴ سال حکومت سوسیال دموکرات های سوئد به این سئوال پاسخ منفی می دهد. سوئد کشوری با ساختار اقتصادی آشکارا سرمایه داری است. بخش خصوصی در این کشور کنترل ۹۴٪ صنایع را در دست دارند. دوسوم سهام سرمایه به ۲٪ درصد جمعیت تعلق دارد. حکومت سوسیال دموکرات ها در جهت تحکیم سیستم اجتماعی موجود عمل کرده است. در این اواخر بخش های قابل ملاحظه ای از زحمتکشان بعلت سرخوردگی از سیاست جناح راست سوسیالیست حاضر نشدند در

انتخابات از آنها پشتیبانی کنند. تجربه زحمتکشان بریتانیا به این امر شهادت می دهد. عده زیادی از سوسیال دموکرات ها، در جای اول عناصر جناح چپ این حزب، زنگ خطر را به صدا درآوردند. آنها یک برنامه عمل بنیادی اعلام کردند که با منویات طبقه کارگر و سایر زحمتکشان مطابقت دارد. این امر رهبران سوسیال دموکرات را مجبور کرد که رفتار خود را اندکی تغییر دهند.

### چهارم اوریته سوسیال دموکراسی

ویلی برانت صد رانترناسیونال سوسیالیست “چهارم اوریته اساسی” سوسیال دموکراسی جهان را مشخص نمود: حفظ پایدار صلح همگانی، عادی کردن روابط شمال - جنوب از راه پرکردن فاصله عمیق بین کشورهای فقیر و غنی و فراهم آوردن چنان امکاناتی که بشریت کرسنگی را از یاد ببرد. حفظ پیشرفت کشورهای صنعتی غرب در دوران دشواری های اقتصادی جهانی و راه کشودن به سوی دموکراسی اجتماعی و بالاخره احترام به حقوق بشر در همه جا.

همانطور که در اسناد برنامه اعلامیه های سیاسی احزاب سوسیال دموکرات دیده می شود، حال و آینده سوسیال دموکراسی به سر نوشت سازمان های امپریالیستی چون پیمان آتلانتیک شمالی پیوند نزدیکی دارد اگر چه در میان برخی رهبران سوسیال دموکراسی به نشانه تبعیت از تمایلات مردم صلحدوست کشورهایشان گرایش هائی در زمینه “پرهیز از جنگ سرد و تأیید اصول همزیستی مسالمت آمیز در سطح بین المللی دیده می شود، این گرایش استوار و پیکر نیست. رهبران سوسیال دموکراسی غالباً به فشار محافظه کاران در برابر مسأله حادی چون مسأله تسلیحاتی سیاست اعضا کرایانه در پیش گرفته و نسبت به استقرار موشک های هسته ای با برد متوسط در اروپا از خود قاطعیت نشان نمی دهند. بدیهی است که این سیاست به تشنج زدائی و صلح همگانی آسیب جدی وارد می سازد و نشانه ناستواری سوسیال دموکراسی در برابر نیروهای جنگ و تجاوز است.

احزاب انترناسیونال سوسیالیست به انتشار ایدئولوژی ها و سیاست های خود در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین توجه ویژه ای معطوف می دارند. احزاب سوسیال دموکرات متروپل های قدیم و انترناسیونال سوسیالیستی در اسناد خود اعلام می دارند که سرمایه داری در برابر مسائل اقتصادی بین المللی فرومانده، سیستم های قدیمی سازشکارانه اند و برای از بین بردن کم رشدی و غیره باید راه حل جدید، سوسیالیستی در پیش گرفت. علی رغم این چرب زبانی ها خط مشی این احزاب معطوف به درهم ریختن نظام سرمایه داری جهانی و سیستم نو استعماری و غارت نیست.

سوسیال دموکرات ها هم در عرصه ملی و هم بین المللی به سد راه تکامل جامعه به سوی سوسیالیسم و رهائی ملی بدل شده اند. آنها در سوئد با ۴۰ سال حکومت نه تنها راه را برای به قدرت رسیدن زحمتکشان نگشودند بلکه با در پیش گرفتن سیاست سازشکارانه و مواشات با انحصارات بزرگ سرمایه سرانجام قدرت را به آنها سپردند. امپریالیسم آلمان زیر رهبری سوسیال دموکرات ها در توطئه بر ضد جنبش های رهائی بخش ملی و سرکوب آنها نقش فعال دارد. اصولاً هدف دکتربین “سوسیالیسم دمکراتیک” ساختن سرمایه داری پیشرفته و بهبود بخشیدن آن از راه فرم هاست. بنا بر این، این دکتربین نمی تواند ابزار تئوریک



# قتل عام در کامبوج (۳)

کمون کونتی وی... سابقا دهکده ای بود که خانه های زیبای چند طبقه داشت. قسمت اعظم آن به وسیله مهاجمان آمریکا - تی و مزدوران کامبوجی آنها برای اعراب دهقانان ویران شد. بعد از آنها پیراهن سیاهان مزدور چینی به این دهکده هجوم آوردند و از آنجا مرد مرا به اردوگاه های کار اجباری می بردند و سپس خانه های شان را ویران و غیر قابل سکونت می کردند. بخش **سوی رینگ** - سراسر کامبوج - در وضعی قرار داشتند که انکار آمریکائی ها سلاح جدید معجزه نمونشان بمب نوترون را آنجا آزمایش کرده اند. خانه ها برجای بودند، اما نشانهای از زندگی وجود نداشت. افرادی که از حکومت ترور هوادار آمریکا و چین جان سالم بدر بردند به دهکده های خود بازگشته کلبه های فقیرانه موقتی بجای خانه های غیر قابل سکونت خود برپا کرده اند. آنها در این کلبه ها زندگی کرده، از باران خود را محفوظ می دارند و همین جا آشپزی می کنند و می خوابند. آنها از اجالا طرح خانه های جدیدشان را ریخته اند. اگر دوبرداشت آینده برنج خوب باشد، دهکده جدیدی به جای دهکده قدیمی ساخته خواهد شد. در صورت پیوستگی نیروهای یک ماه برای تمام ساختمان یک خانه بانی خیزران مرکب از دو اتاق بزرگ که به رسم دهکده های خمرووی و تیرجوبی ساخته می شود، کافی است.

تشکیل شده است. هر گروه متشکل از ۱۰ تا ۱۵ خانوار است. اما در کامبوج تیره روز، این معنای دیگری دارد: ۸۰٪ جمعیت زن و دختر هستند بخش از مردان توسط آمریکائی ها و بخشی دیگر توسط قاتلان پل پوت نابود شده اند. عده های از مردان به تایلند کشیده شدند تا گوشت دم توپ شوند. مردان کسی باقی ماندند این تقسیم نامناسب زن و مرد یکی از عناصر تراژدی ملی کامبوج است.



قربانیان رژیم جنایتکار پل پوت

خون سان ۶۸ ساله به سختی به پای جوانان می رسد. از آنجا که این حرکات موزون - اند، او از دور مانند زن جوان به نظر می رسد، اما از نزدیک خیلی پیر است. چشمانش قرمز، مرطوب، نگاهش خسته و خطوط صورتش زشت و زنده اند. او در آن زمان، با ۱۶ عضو خانوادهاش از کونتی وی به پورسان مرز تایلند برده شد. آنجا خون سان را برای کار از خانوادهاش جدا کردند و او را در کره ویا کسازای زمین وارد نمودند. او از ساعت ۴ صبح تا ۶ بعد از ظهر کار می کرد و تنها ۱۰ دقیقه وقت برای خوردن سوپ داشته است. دختران ۱۴ - ۱۵ ساله، بی سواد و بی بهره از هر نوع انسانیت اجرای بازده عالی کار را نظارت می کردند. هنوز آثار میله های آهنی روی پشت، بازوان و پاهای خون سان دیده می شود. لحظه ای درنگ کافی بود که دختران به وی هجوم آورند.

هنگامی که در ژانویه ۱۹۷۹ شکست خورده کران بر اثر قیام طرد شدند، خون سان به جستجوی خانوادهاش پرداخت. از آنجا عضو خانوادهاش فقط دو نفر را پیدا کرد. این دو نفر پسر ۲۰ ساله و ۷ ساله اش بودند بقیه بر اثر انجام ندادن وظایف مقرر بقتل رسیده یا با کرسنگی دادن مردند. در



اجساد زندانیان مقتول در ناحیه باست

از هم اکنون پایه برداشت آینده برنج گذاشته شده است. در بخشی که **سوی رینگ** خالی از سکنه را احاطه کرده (و به زحمت ۲۰۰۰ سکه دارد) و تقریباً در ۲۰ کیلومتری شهر ویران شده واقع است زنان باریک اندام با حرکات موزون، بی وقفه، انثار که هیچ اتفاقی در دهکده کونتی وی روی نداده به شا کردن برنج مشغولند. نیکی از مزارع به وسعت ۳۰۰ هکتار کشت شده اند. زمین حاصلخیز است. سابقاً خوب محصول می داد. اما در زمان اشغال آمریکائی ها و سپس در دوران خم رسوخ یعنی کمتر از ۸ سال کود به آن داده نشده است. مسلماً تاثیر آن معلوم است. خوشه های برنج نحیف و باریک اند.

تقریباً ۲۰۰۰ خانوار این جا کار می کنند. از جمعیتی که بازگشته اند ۱۵۵۲ گروه کار

## تراژدی گواتمالا

در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۲ هشت عضو کمیته مرکزی حزب کارگر گواتمالا به منظور برگزاری جشن یاد بود بیست و سومین سال روز تأسیس حزب کمونیست گواتمالا گرد آمده بودند. آنها دریافتند که موجودیت حزب شان نتیجه پایداری ها و انعطاف تاکتیک های آنان در برابر دشواری ها بود. حزب توانسته بود قلوب هزاران گواتمالائی را تسخیر کند و در جریان حملات سبعانه دشمن بیش از پیش آید دیده شود. هدف از گرد هم آئی آن روز،

تنها با خاطر برگزاری یک جشن ساده نبود. بلکه بیشتر اجتماع میتینگ واره فوق العاده رهبران حزب پیش از حملات تازه بود... نیصاعت پس از آن اجتماع هشت عضو کمیته مرکزی دستگیر و به فرماندهی گروه چهارم پلیس اعزام شدند. روشن کردن این مطلب که از ۱۵۰۰ گواتمالائی قربانیان اختناق بیست ساله اخیر چه تعدادی گرفتار چنگال دشمنان گروه چهارم شدند بسیار دشوار است چهار سال قبل "کانتانوارنو" را فائل نیشنل گرگوزمان" که هر دو از اعضای کمیته مرکزی حزب بودند زیر شکنجه جان سپردند. کمی بعد معلوم شد که در خیما ن دستهای

کانتانوارنو را قطع کرده اند (او تا آن موقع زنده بود) و سپس زیانش را بریدند. اخیراً کاپیتان لیونتان مانوئل انجل مورالس فرمانده گروه چهارم پلیس در گفتگویی با مطبوعات گفت که او تازه از ایالات متحد - که برای دیدن دوره های به آنجا رفت - برگشته است. معلوم نیست در فاصله ساعت ده شب ۲۶ سپتامبر که هشت رهبر بازداشتی توسط گروه چهارم به زندان انتقال یافتند. وصیح اکثر که هشت کیسه سر بسته توسط هواپیما - تی که در ارتفاع کم پرواز می کرد به آبهای ساحلی اقیانوس افکنده شد چه اتفاقی افتاد است. این موضوع هنوز در پرده ابهام باقی

حقیقت یک زن بیکر علاوه بر ضعف جسمانی زیر بار آن همه اندوه و ناامیدی از یاد رآمده چه می تواند بکند؟

### زندگی تازه با نگرانی ها

در کونتی وی دیگر افراد تنها و جود ندارند. ۲۰۰۰ خانواد های که آنجا زندگی می کنند، همه سوگواری می کنند. بیهوا هنوز شبیهی خود راه گریه می گذرانند. اما به مزارع برنج کم کم شادی طبیعی بازمی گردد. این جا و آنجا صداهای آواز به گوش می رسد. زنده ای وجود دارند که به جای فرزندان کشته شده خود از چند کودک یتیم در منزل خود نگهداری می کنند. آنها اکنون برای این کودکان کار می کنند و آنها را از محبت خود سرشار می سازند جمعیت فعال مزارع برنج را با هم می کارند و محصول به تساوی بین آنها تقسیم می شود. این نوع توزیع موقتی جبراً به وجود آمده است. اگر هر کس زمین جداگانه درخواست می کرد - و این امکان وجود داشت - افراد خوشبختی که بازی سر نوشت همسریا کودکان مستعد کارشان را محفوظ نگاه داشته بود، می توانستند سهم بیشتری بدست آورند و در این صورت سه هزار پیر مجرد و بیما رو هفت هزار یتیم کونتی وی به فقر نومید انهای دچار می شدند. از این رو دهکده این شکل همیاری اقتصادی را انتخاب کرد. ابزارهای کار به طور اشتراکی مورد استفاده قرار می گیرند. کارهای سخت را مردان و زنان نیرومند انجام می دهند، بقیه رحد توانائی خود کم می کنند تنها تفاوت این است که کسانی که کارهای سخت انجام می دهند، اندکی بیشتر از توانانان برنج دریافت می کنند. اما در کونتی وی دهکده ای که تازه احیا شده کسی وجود ندارد که از همه چیز محروم باشد.

بعد از ظهر، پس از پایان نشاء، روستا - ثیان خود را برای جشنی که ۱۲ کشیش بود - تی هینایانا در آن دعوت شده اند، آماده می کنند. توطئه آمریکائی چینی بود بیسم هینایانا را تا پایه شهدا مقدس کرده است اهالی کونتی وی ۱۲ پاکت برای این فرصت باشکوه تهیه می کردند. دهقانان از غذای خود می زدند تا بتوانند برای کشیش های پیر که از چنگال مرگ گریخته اند و روی بدن هایشان هنوز آثار شکنجه دیده می شود، عبا نارنجی رنگ، برنج، نیشکر و میوه از بازار مبادله جنسی که گردش پول در آن منسوخ شده خریداری نمایند. ارزش کالا های هر پاکت برابر ارزش ۱۰ کیلو برنج است. شاید

در شرایط دیگری این مقدار زیاد نباشد. اینجا این شروتی است که سهم بسیار مهم غذای یک خانواده را در مدت یک ماه تشکیل می دهد. خون سان از بونز (کشیش) های نجات یافته استقبال و مهمان نوازی می کند. او و پسر بزرگش در این جشن شرکت می کنند. در اینجا صحبت از آزادی معجزه آسای همه است. و در عین حال از کمسانی که شادی، امید و هدف زندگی شان بوده اند، ولی امروز استخوان هایشان در پورسان در خاک مزرعهای باتلاقی دفن شده سخن به میان می آید. روح هزاران مرده که نیکی از جمعیت این دهکده بوده اند برای همیشه در این جا در پرواز خواهند بود.

و حالا نوبت نوه ها است که کار کنند. سپاه کودکان با ابزارهای نامناسب به کشتزارهای برنج نشاء شده که اکنون سبز هستند و نیز به کشتزارهایی که خوشه های زرد شان رسیده - اند می روند. مبارزه با جوندگان شب و روز ادامه می یابد. اکنون در کامبوج مواد شیمیائی برای زمین بردن این جانوران وجود ندارد و باید به شیوه سنتی موش کشی قناعت کرد. باید با چوب دستی یا با زور بازو این جانوران روبرو



یک میهن پرست کامبوجی که با پایهای زنجیر شده توسط درختیان پل پوت در ناحیه باست به قتل رسید.

شد. یک موش پیر می تواند تا ۳۰ سانتی متر طول داشته باشد. موش نه تنها برنج بلکه مرغها و پرندگان را هم تهدید می کند. چه کارزاری! اولین خط حمله کودکان ترس در صفوف دشمن ایجاد می کند. جوندگان با سرعت عجیبی فرار می کنند و به طرف زمین های مرطوب می روند. در این جا دومین صف کودکان تعقیب کننده دست به حمله می زنند. موش محاصره شده تا آخرین توانائی اش دفاع می کند و می گوشتد فرار کند. اما خیلی کم موفق می شود. غالباً موش ها نمی توانند در بروند. دخترکی با صورت گرد و دندانهای براق، موش از پا در آمده راه انبار می برد. او نبرد را برد است. این هیولا دیگر برنج نخواهد خورد. این سیل موش ها از کجا می آید؟ آنها شهرهای تخلیه شده را ترک کرده و از روی رد پای انسان ها به دهکده ها آمده اند.

جوانان کارگر عضویت داشتند و نظاهرات دانشجویی بطور فعال شرکت می نمود. روشن ترین خاطرات وی به قیام خونباری مربوط می شود که به وسیله گواتمالائیها بر علیه خالت های نظامی آمریکا در ۱۹۵۴ که موجب سرنگونی حکومت تنسود های "جاکوب آریتر" گردید. ترتیب داده شده بود.

**هیویرتو آلوارادو** و جز نخستین کسانی بود که بلافاصله بعد از تأسیس حزب به آن پیوست. پس از گذراندن دانشگاه در یک مدرسه ابتدائی به تدریس پرداخت. کمی بعد با نوشتن مقالاتی برای روزنامه ها و مجلات وارد فعالیت مطبوعاتی شد. او یکی از سازمان دهندگان گروه بقیه در صفحه ۸

مانده است. تنها یک چیز معلوم است و آن این که تمام کمونیست های بازداشتی تا آخرین لحظه در برابر در زخمی جسورانه ایستادگی کردند.

### فرزند حقیقی گواتمالا

اوموهای مجدد تیره، سیمائی "سپه چرده" وقاضی تقریباً کوتاه داشت. اغلب نگاهش مشتاق و کنجکاو بود. تمام زندگیش وقف انقلاب و مخاطره بود. **هیویرتو آلوارادو** در سال ۱۹۴۶ سال تأسیس حزب کمونیست گواتمالا که بعداً به حزب کارگر گواتمالا تغییر نام یافت، دانشجوی حقوق دانشگاه گواتمالا بود. او در آن موقع در ارکان



بقیه از صفحه ۱

### واحدهای مشاوره...

خود مبحث جداگانه است و نیاز به بررسی مجزا دارد، اولین واحدهای فنی که با برنامه هفت ساله اول در سال ۱۳۲۸ در جامعه ایران ظاهر شدند، موسسات مهندسی مشاور خارجی بودند که به لطافت الحیل خدمات خود را به چندین برابری قیمت عرضه کرده و به معنی واقعی کلمه به چپاول می پرداختند. با شروع نهضت ملی شدن صنعت نفت و اوج گرفتن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، این واحدهای مشاوره فنی نیز به تدریج از عرصه اجتماعی - اقتصادی ایران خارج شدند و واحدهای مشاوره فنی ایرانی کم کم آغازه شکل گرفتن کردند کودتای ۲۸ مرداد این روند تکاملی را در گریز کرد و مهندسان مشاور خارجی به عنوان طلایه داران امپریالیسم برای چپاول ثروت های ملی ما، به ایران بازگشتند و هم زمان، عده های از افسران فوقانی طبقه حاکمه و سرمایه داران وابسته نیز، برای اختصاص دادن سهم هرچه بیشتری به خود، متوجه حرفه مهندسی مشاور شدند و مشاوران خارجی نیز از این تمایل استفاده کرده به اصطلاح مهندسان مشاور ایرانی را پرده ساتر هدفها و عملیات خود قرار دادند و با استفاده از وجود آنان و شرکت های مختلط "ایرانی - خارجی" مهندسی مشاور که در آنها اغلب طرف ایرانی نقش دلال و گیرنده کار را به عهده داشت، برنامه های عمرانی را در جهت تخریب نهاد های اقتصاد ملی و تأمین وابستگی هرچه بیشتر آن به سرمایه های خارجی سوق دادند. ولی این رویدادها در عین حال که به تشکیل هسته های فنی سالم، که در سالهای ۳۳ تا ۳۴ آغاز شده بود، شادید لطمه زد، نتوانست آن را به طور کامل متوقف سازد و واحدهای مشاوره فنی سالم به تدریج بوجود آمدند و با تحمل مشقات فراوان به رشد بطئی خود ادامه دادند. تا وقتی که واحدهای مشاوره فنی معدود بودند تقسیم کار بین آنها به طور "دوستانه" انجام می پذیرفت ولی با افزایش تعداد این واحدها، مبارزه برای گرفتن کار بین آنها شکل گرفت و از یک سو با انگیزه صحیح برای تحت ضابطه و آموختن حرفه مشاوره فنی از سوی دیگر با انگیزه نادرست منحصراً کردن کارها به عده های قلیل، سازمان برنامه ضوابط مربوط به "شناسائی" مهندسان مشاور و ارجاع کار به آنان را تدوین و به مرحله اجرا در آورد. از آن پس واحدهای "تجارتی" مشاوره فنی در روند تکاملی خود به صورت سیستم "دلال - مشاور" درآمد که در آن فردی نفوذی نقش جاده صاف کن واحد مشاوره فنی را برای گرفتن شناسائی، گرفتن کناره تصویب پروژه و اخذ حق الزحمه به عهده داشت. پس از آن نوبت به سیستم ظاهراً اصلاح تر "مشاور وابسته" رسید که از ابتدا با مشارکت فردی از نفوذ تشکیل یابد چنین فردی به شرکتی آن اضافه می شد. بعد سیستم "مشاور - دلال - پیمانکار" پدید آمد که در محیطه "سوء استفاده" طرح و اجرا را توأم با مورد بهره برداری قرار می داد و سود آوری هرچه بیشتر را تأمین و تضمین می کرد. بعد ترمی رسیم به سیستم تولید کننده وارد کنند - مشاور - پیمانکار" که عرصه "پولسازی" را بساز هم گستره ترمی ساخت و در رساله های اخیر به صورت سیستم ساز پیچیده تری درآمد که با تأسیس بانک و کسرسوسه های بزرگ مرکب از مشاوران و پیمانکاران و صاحبان سرمایه و با استفاده از تمام روشهای بانکی و پولی و به گردش در آوردن سرمایه بزرگی در مدار بسته تولید مصالح ساختمانی، وارد کردن و فروش مصالح و لوازم، پرداخت وام، طرح، اجرا و فروش فقط در جهت تأمین سود های کلان کاری کرد.

بدیهی است که در داخل چنین واحدهای "مشاوره فنی" توزیع عادلانه دستاورد ها نمی توانست مطرح باشد و در واحدهای مشاوره فنی سالم نیز با توجه به بیکاری های ادواری، کمی کار و مشکلات مربوط به کارهای "دست دوم" که از طریق واحدهای نوع اول به آنان ارجاع می شد و خود وسیله های برای استثمارشان بود، عملاً مشکلات کار و زحمات بود که به صورت کم و بیش عادلانه تقسیم می شد و درآمد قابل ملاحظه ای وجود نداشت که عادلانه یا غیر عادلانه توزیع شود.

خوشبختانه، انقلاب دوران ساز ایران، بساط این نوع چپاولگری را نیز مانند سایر سیستمهای مشابه درهم پیچید ولی اکثریت سردمداران این چپاول، با استفاده از فرصت های مناسب، اکثراً قبل از انقلاب و بعضی پس از انقلاب، پولهای حاصل از غارت بیت المال را به خارج از کشور انتقال داده و خود از کشور گریختند و آنچه از آنها به جا ماند، سازمانهای عریض و طویل، با تعداد زیادی کارمند و کناد ر

فنی و تعدادی طرح های نیمه کاره بود. در کنار این شرکت های متورم که اقلیتی در حدود ۱ درصد شرکت های مهندسی مشاوره و واحدهای خدمات مشاوره فنی را مشتمل بوده در حدود ۸۵ درصد طرحها را به خود اختصاص داده بودند، شرکت های متوسط و کوچک قرار داشتند که تقریباً از دو سال مانده به انقلاب به تدریج دچار بیکاری، رکود و استثمار بیش از پیش خشن مشاوران گروه اول شده و اغلب در حال ورشکستگی بودند. عناصر متعهد و مسئول موجود در این شرکتها که از پانزده سال ۵۷ بتدریج متشکل شده بودند، با استفاده از ره آورد های انقلاب، جامعه مشاوران ایران را تحت اختیار خود در آوردند. و یک شورای موقت ۱۲ نفری انتخاب کرده و وظایفی به شرح زیر به آن شورا محول نمودند:

- رسیدگی به امور جاری جامعه مشاوران.
- همکاری با دولت در جهت به راه انداختن چرخ اقتصاد مملکت.
- رسیدگی به امور کارمندان بخصوص کارکنان مشاوران بی سرپرست و کمک در احقاق حقوق معوق آنان.
- بررسی و تدوین ضوابط تصفیه جامعه مشاوران ایران.
- برقراری ارتباط با سایر ارگانهای صنفی ذی ربط با خدمات مهندسان مشاور.
- بررسی و تدوین ضوابط آتی جامعه مشاوران و نقش مهندس مشاور بر مبنای یک نهاد دموکراتیک و هم نام با انقلاب ایران و تجدید انتخابات بر اساس آن.
- از همان قدمهای اول، فعالیت شورای موقت با مقاومت مشاوران طاغوتی روبرو گردید و این مشاوران سعی کردند با استفاده از جو ناسالم موجود در دفتر امور مشاوران و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه و با استناد به اینکه شورای موقت مطابق اساسنامه انتخاب نشده و به ثبت نرسیده است، از اقدامات آن جلوگیری کنند. خوشبختانه این تشبثات عقیم ماند و با اقدام دسته جمعی اکثریت، انتخابات تجدید و هیئت مدیره مطابق اساسنامه انتخاب و به ثبت رسید.
- پس از اینکه این اقدامات رو در رو به شکست عناصر وابسته منجر گردید و این عناصر موفق به بازپس گرفتن مواضع از دست رفته نشدند، سعی کردند از طریق عناصر مترجمی که در جمع دست اندرکاران حرفه مشاوره وجود دارند، حتی المقدور از اقدامات بنیادی جامعه مشاوران جلوگیری و حرفه مشاوره را با اندک تغییر، به همان صورت ارتجاعی گذشته حفظ کنند و در این مورد برخلاف مورد اول، موفقیت هائی نیز به شرح زیر بدست آوردند:
- الف - در مورد شرکت های مهندسی مشاور که مدیران و شرکای آنها متواری شده اند، جامعه مشاوران در استنباط از ماده ۸ لایحه قانونی مربوط به تعیین مدیران ایران موقت برای سرپرستی واحدهای تولید و صنعتی و تجارسی و کشاورزی و خدماتی، که دولت را مکلف می سازد حد اکثر مدت دو ماه را رعایت کامل معیارهای انقلاب اسلامی تکلیف مالکیت های بزرگ را تعیین نماید معتقد است که این ماده بر واحدهای بزرگ خدماتی نیز نافذ است. مدیرانی که برای این گونه موسسات تعیین می شوند جنبه موقتی داشته و باید در عرض دو ماه تکلیف واحدهای تحت مدیریت خود را روشن کنند. بالاخص در مورد شرکت های مهندسی مشاور که برای آنها مدیر دولتی تعیین گشته، عقیده جامعه مشاوران بر این است که این شرکتها با توجه به سوابق فنی و حرفه ای نامطلوبی که دارند، در جوانب کونی صلاحیت کار به عنوان مهندس مشاور و دخالت در نحوه مصرف بودجه های عمرانی کشور را ندارند، و علیرغم وجود افراط با ارزش در داخل آنها، از قابلیت بقا در ایران بعد از انقلاب برخوردار نیستند. کسانی که به سرپرستی این شرکت ها - ها و موسسات منتصب می شوند در حکم مدیران تصفیه شده باید فوراً و قاطعانه اقدامات لازم برای انحلال شرکتها و موسسات مزبور را به عمل آورند. این مدیران باید موکداً از ایفای نقش قیم که وظیفه دار حفظ و حراست مال و خواسته تحویلی بود در زمان مقتضی آنرا به صاحب یا صاحبان اصلی مسترد می دارد، خود داری نموده کارهای درست تهیه و انجام این مشاوران را در اسرع وقت بررسی و به شرح زیر مورد اتخاذ تصمیم قرار دهند:
- طرح های ضد مردمی که تغییر عملکرد آنها میسر نیست در هر مرحله ای که هستند متوقف شوند.
- ادامه طرح های ضد مردمی که تغییر عملکرد آنها میسر باشد، با اجرای قطعی این تغییر موکول شود و اگر

طرح در مراحل اولیه می باشد، متوقف گردد.

- آن قسمت از طرح ها که ادامه آنها ضروری بود تهیه آنها در قدرت متخصصان ایرانی می باشد به مشاوران ایرانی واگذار گردد. در این رهگذر، به کارکنان متعهد شرکت های مزبور که به انقلاب وفادار بوده آماده پذیرش مسئولیت ادامه کاری باشند، اولویت داده شود و تمام یا قسمتی از پروژه های در دست اقدام آن شرکت ها، در حد ظرفیتشان، به آنان واگذار گردد و مشکلات اجرایی این کارها همکاری دفتر امور مشاوران سازمان برنامه و بودجه، جامعه مشاوران و سندیکای کارکنان مهندسی مشاور بررسی و مرتفع شود.

- اگر طرحهایی در دست بود که ادامه آنها نیاز به تخصص خارجی داشت، اشتراک کارشناسان خارجی در تهیه این طرح ها بصورت استخدام آنها در شرکت های ایرانی و یا از طریق واحدهای متشکل از یک یا چند مشاور ایرانی و یک یا چند مشاور خارجی و با استفاده از کارکنانی که در تهیه این طرحها شرکت داشته اند، انجام پذیرد و مشاوران خارجی مکلف شوند که در حین تهیه طرح، آموزش های لازم را به کارکنان ایرانی بدهند بطوریکه برای طرح مشابه بعدی احتیاج به مشاور خارجی نباشد.

جای تأسف است که به رغم این رهنمود های صریح، در نتیجه همدستی برخی عناصر در دستگاه های دولتی با عناصر وابسته و مترجم شرایطی فراهم کردید که پس از گذشت نزدیک به شانزده ماه از انتصاب مدیران دولتی، تغییر قابل ملاحظه ای در وضع اغلب شرکتها و موسسات تحت مدیریت آنها داده نشده است و اکثراً با استفاده از امکانات دسترسی سریع به مقامات دولتی و با همان شی و منش های دوران طاغوت به کار خود ادامه می دهند در حالی که بقیه نهاد های مشاوره در حال تلاشی شدن هستند و یا تلاشی شده اند.

کارپاکسازی حرفه مشاوره از عناصر ناسالم و ناپاک که با قاطعیت شروع گردیده و به اخراج بیست شرکت از جامعه مشاوران، و با نتیجه زحرفه مشاوره، و تعلیق عضویت بیش از پانزده شرکت منجر شده بود، با مخالفت های از طرف سازمان برنامه و بودجه روبرو شد و به کمک سازشکاران موجود در داخل جامعه مشاوران به کندی کرائید.

مستمسک سازمان برنامه و بودجه برای مخالفت با امر پاکسازی، متوقف شدن طرح های درست تهیه و انجام مشاورانی بود که ضوابط تصفیه در مورد آنها اعمال می گردید و حال آنکه به همان ترتیبی که در بالا شرح داده شد، می توان کارهای مشاوران مشمول تصفیه را در مسیر صحیح ادامه داد.

گرایش های مختلفی که در مورد آینده حرفه مشاوره به وجود آمد، باعث شده که جامعه مشاوران ایرانی نتواند، نه در ضوابطی که تهیه و توزیع کرده حتی در اساسنامه خود نسبت به تمام مسائل این حرفه صریحاً و قاطعانه اظهار نظر نماید. چه در زمان تنظیم اساسنامه و چه پس از تصویب آن، نظریات مختلفی که در مورد آینده حرفه مشاوره ارائه می شد، طیف وسیعی را از حفظ این حرفه به همان وضع سابق با اندک جراحی پلاستیک تا سوسیالیزه کردن کامل آن در برمی گرفت.

اهم این نظریات به شرح زیر می باشد:

الف - عده قلیلی معتقد بودند که حرفه مشاوره باید به همان صورت سابق و در انحصار عده معدودی باشد که به عنوان مدیران، به نحو "شرافتمندان" و با رضایت گسار گنان به استثمار آنان بپردازند.

ب - عده دیگر معتقد به حفظ نهاد مشاوره در بخش خصوصی، تحت شرایط و ضوابطی که مانع استثمار فساد از فرد و انباشت سرمایه گردد، بودند و مالکیت گروهی را از من اجرای چنین ضوابطی می دانستند. مالکیت گروهی به نظر بعضی از این افراد فقط کادرفنی و به نظر بعضی دیگر تمام کارکنان اعم از فنی و غیر فنی را شامل می شد. در این مورد هنوز راه حل مدونی ارائه نشده و بعلاوه یک سؤال بلا جواب مانده است و آن این که حتی اگر مالکیت گروهی موفق شود روابط داخلی نهاد مشاوره را بر مبنای صحیحی برقرار سازد، چه عامل یا عاملهایی صحت عملکرد آن را در جامعه تضمین خواهند کرد.

ج - گروهی از مشاوران معتقد بودند که اگر انقلاب بخواهد از خط امام منحرف نشده، ریشه بگیرد و بارور شود، و به عبارت دیگر در زمینه راه متوقف نگردد، باید در جهت پیش برود که به امحاء استثمار فساد از فرد و استقرار نظمی جدید، در همه جا و از جمله در حرفه مشاوره فنی، منتهی شود.

بقیه در صفحه ۵



### واحد های مشاوره

و این کار فقط از طریق تبدیل مالکیت خصوصی نهاد های مشاوره به مالکیت عمومی میسر می باشد. واقعیت این است که شرایط عینی جامعه فعلا برای الفای کامل مالکیت خصوصی آماده نبوده و اقدام عجولانه در این مورد می تواند موجب بروز اختلالات جدی در امر خدمات مشاوره فنی گردد. استقرار مالکیت عمومی مستلزم تمهید مقدمات بسیاری از لحاظ مادی و معنوی است و بدون این مقدمات استقرار مالکیت عمومی ممکن است به تلاشی شدن هسته های فنی موجود در کشور منجر گردد که بدون شک به انجام برنامه های آتی عمرانی لطمه خواهد زد.

باید توجه داشت که مالکیت عمومی تنها با ملی کردن شرکت ها و موسسات خدمات مشاوره فنی و آوردن آنها زیر پوشش دولتی صورت پذیر نیست، بلکه همچنین با توجه به روحیات کادرفنی و منابع انسانی که در این حرفه اشتغال دارند و تعداد آنها در حدود دوازده هزار نفر می باشد، باید ترتیبی اتخاذ شود که اشتراک مساعی اکثریت قریب به اتفاق آنان در اداره واحدهای مزبور تامین گردد و این چیزی نیست که بایک بخشنامه یا حتی قانون انجام آن میسر باشد. این کار به آمادگی عینی و ذهنی در سطح فرد و جامعه هر دو نیاز دارد. در واقع در شرایط فعلی الفای کامل مالکیت خصوصی در حرفه مشاوره مطرح نیست، بلکه تجمع هسته های کوچک نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نظر می باشد، بشکلی که از برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت دولت تبعیت نموده، سربراری برای سازمان دولتی نباشد و توزیع عادلانه درآمد هارائاتامین نماید. نظام اقتصاد مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حصول این منظور را تحت شکل تعاونیهای خدمات مشاوره فنی میسر می سازد و اشتراک مساعی دولت با این تعاونیها امکان اعمال نظردولت و رشد در جهت تبدیل مالکیت گروهی به مالکیت دولتی را، در صورت لزوم، فراهم می سازد. باید توجه داشت که اعمال نظردولت در مرحله کنونی به هیچوجه تسلط مطلق دولت نیست، بلکه تامین نقش هدایت کننده آن در چارچوب برنامه های کلی مملکتی و تامین تبعیت تعاونیها از این برنامه کلی است و البته مفید خواهد بود که همزمان با نفع گرفتن تعاونیها با ایجاد بخش دولتی خدمات مشاوره الگوئی برای کار تعاونیهای خدمات مشاوره ارائه داد شود.

ایجاد تعاونیهای خدمات مشاوره باید بر پایه شرکت داوطلبانه دست اندرکاران حرفه مشاوره و شرکتهای مهندسی مشاور موجود، و ترغیب و تشویق از طریق اختصاص نوعی حق تقدم در رتبه و ظرفیت کارهای ارجاعی و ایجاد تسهیلات بیشتر برای تعاونیها در مقایسه با شرکت های خصوصی، صورت پذیرد. ضوابط حاکم برای ایجاد و رشد تعاونیها باید چنان تدوین گردند که شرایط دموکراتیک در داخلشان حاکم بوده و نظریات تمام اعضا در مدیریت بازنابالازم را داشته باشد تا این شکل مالکیت گروهی در ابتدای امر به تحدید استثماری و رهنهت تمام امحاء آن توفیق یابد و گرنه تعاونیها بخودی خود مانع ثروت اندوزی از راه استثماری نبوده و می توانند به نهاد های ارتجاعی مبدل

گردند. مسیر عملی این کار، ایجاد شوراهای کارکنان، تبدیل مدیریت به مدیریت شورائی و محدود کردن گستره فعالیت بخش خصوصی حتی به صورت مالکیت گروهی است. تا موقعی که گستره بخش خصوصی مشخص نشده و امکان ثروت اندوزی از راه استثماری و دست اندازی سرمایه خصوصی بر بخش های فزاینده های از اقتصاد ملی از میان برداشته نشده باشد، ایجاد بخش دولتی جزیه ماثبه منبع تامین کادرفنی بخش خصوصی و به زبان ساده تر کلاس تعلیم کارآموزان و تحویل آنان به بخش خصوصی نخواهد بود. فقط در صورت جلوگیری موکد از گسترش بی بند و بار سرمایه در بخش خصوصی است که بخش دولتی خواهد توانست از رشد سالمی برخوردار شده مالکیت عمومی را با موفقیت جانشین مالکیت گروهی و مالکیت خصوصی سازد. اگر امروز این مسئله نمی تواند مستقیما عینیت یابد، به علت آماده نبودن شرایط استقرار چنین نظامی است، و تا آماده شدن شرایط، مرحله گذاری خواهد بود که در انتهای آن دیگر نباید از کارفرما و کارمند یعنی استثماریکننده و استثماریشونده اثری باشد این امر ایجاب می کند کسانی که امروز نقش کارفرما را بعهده دارند در جهت غیر از کارفرمای کلاسیک فکر و عمل نمایند و توجه داشته باشند که برای مدت محدودی، به منظور عبور از نظام قدیم به نظام جدید، از شکل شناخته شده کارفرما - کارمند استفاده می کنند. چنین کاری، علاوه بر آگاهی، استقرار یک نظام کنترل و خود کنترل دقیق را ایجاب می کند. کنترل، علاوه بر ارگان های دولتی، از طریق سندیکای کارکنان مهندسین مشاور و خود کنترل توسط عناصر آگاه، معتمد و مسئول جامعه مشاوران قابل اعمال است. به عبارت دیگر اگر تغییر و تحولات بعد از انقلاب در جهت تثبیت سرمایه داری باشد. تردیدی نیست که برداشتهای کلاسیک در مورد کارفرمایان و کارکنان به اعتبار خود باقی خواهد ماند. و جامعه مشاوران ایران نیز به عنوان یک نهاد کارفرمایی روز به روز در جهت ارتجاعی پیش خواهد رفت. در نتیجه، دونهاد جامعه مشاوران و سندیکای کارکنان در تعارض روز افزون قرار خواهند گرفت. ولی اگر مسیر انقلاب در جهت امحاء سرمایه داری باشد، و قبول کنیم که عبور از یک دوران گذار برای وصول به مقصود ضروری است، دیگر این دونهاد در جنبه مقابل هم قرار نداشته، بلکه به منظور برآوردن نیازهای این مرحله از انقلاب ضرورتا در کنار هم خواهند بود بدون این که در هم ادغام شوند. بالاخص سندیکای کارکنان از لحاظ کنترل مسیر موظف است نقش سازنده و حساسی را ایفا نماید.

گروهی از دست اندرکاران جوان حرفه مشاوره ضمن تکیه بر این واقعیت که عقب ماندگی کشور حاصل سلطه سرمایه داری وابسته بر تمام نهاد های اقتصادی و از جمله نهاد های مشاوره فنی می باشد، و با تاکید بر لزوم دگرگونی ساخت این نهاد های اقتصادی و تبدیل آنها به نهاد های با ساخت دموکراتیک که با سایر نهاد های اجتماعی نظیر شوراهای ایالتی و ولایتی و موسسات دانشگاهی ارتباط مستقیم داشته باشند، ایجاد تعاونیهای ارائه خدمات مشاوره را به جای نهاد مهندس مشاور پیشنهاد می کردند.

اصول کلی مربوط به ایجاد تعاونیهای طرح و اجرا که در شماره های ۸ و ۱۲ "جامعه معماری" ارگان سازمان ملی معماران و شهرسازان درج گردیده بود، ضمن تشریح جزئیات نهاد های پیشنهاد شده نحوه وصول به آن را مسکوت

می گذاشت. گروه دیگری از مشاوران و دست اندرکاران این حرفهها توجه به کمبود کادرفنی کارآموز در کشور و نیاز روز افزون صنعت و تولید به این متخصصان از یک سو و نیاز دانشگاه ها به این افراد از سوی دیگر، اعتقاد داشتند که برای رویا - رویی با این کمبود، که عالما و عمادا در جهت ایجاد و تثبیت وابستگی به امپریالیسم ایجاد گردیده است، باید ترتیبی اتخاذ شود که از وجود افراد ناصلاح توأم برای تدریس و خدمات مشاوره فنی مورد نیاز صنعت و تولید و پروژه های عمرانی استفاده شود، نه اینکه عده های در چهار پیواری دانشگاه ها محبوس شده و عده دیگری به جرم فعالیت در حرفه مشاوره فنی از تدریس محروم گردند.

تأمین شرکت متخصصان و کادرفنی باتجربه، در آن واحد در مشاوره فنی و کارآموزش و پژوهش از طریق ایجاد انستیتو - های دانشگاهی وابسته به دانشگاه ها می مختلف به سادگی امکان پذیر است. کسانی که در این انستیتوها بکار مشغول شوند از طریق تدریس و کار حرفه ای خواهند توانست ارتباط نزدیکی بین تئوری و عمل ایجاد نموده، از تازه های علوم روز تهیه طرح ها استفاده کنند و با تجارب حاصل از کاربرد، تئوری را باورتر سازند. دانشجویان نیز علاوه بر این که از طریق معلم خود آموزشهای لازم را خواهند دید، امکان خواهند داشت از طریق صرف اوقات آزاد خود در این انستیتوها قبل از اینکه دانشگاه را به پایان برسانند با کار واقعی، صنعت و تولید در ارتباط باشند و حتی از این طریق تمام یا قسمتی از هزینه های شخصی خود را تامین کنند.

با ایجاد این انستیتوها و اگذاری تهیه طرحها با آنها، به تدریج کادرفنی متمرکز در نهاد های مشاوره فنی به دانشگاه ها وابسته شده، به نحو چشمگیری کادرفنی را در دانشگاهها تقویت خواهند کرد و حرفه مشاوره فنی که قبلا برنامه های سازندگی کشور را در دست دارد، از بخش خصوصی به بخش دولتی منتقل شده و در ارتباط نزدیک با ارگانهای تصمیم گیری و برنامه ریزی به فعالیت خواهد پرداخت. از طریق این انستیتوها، در صورتیکه تهیه طرحی برای متخصصان ایرانی به تنهایی مقدور نباشد، استفاده از متخصصان خارجی، به نحوی که تکنولوژی وارداتی و تحولات لازم را یافته به تکنولوژی ملی تبدیل گردد، با سهولت بیشتر امکان پذیر خواهد بود. زیرا از آنجا که در انستیتوهای مزبور امکان آموزش و پرورش توأم فراهم است، می توان در مدت حضور متخصصان خارجی برای تهیه یک طرح، استفاده از آنان را در جهت تربیت کادرفنی و نیروی انسانی ماهر، از پایین ترین تا بالاترین سطح، در دستور روز قرار داد. و هم در این انستیتوهاست که کم کم کار پژوهش در رشته های مختلف شکل خواهد گرفت. یادآوری می نماید که در گذشته نیز، نهاد های مشاوره فنی، البته در مقیاس بسیار کوچکتر، در کنار دانشگاه ها، از جمله دانشگاه های هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ایجاد شده و تهیه طرح های راهم به عهد ه گرفته بودند که با مخالفت صاحبان واحد های خصوصی مشاوره فنی مواجه شده و پس از مدتی از هم پاشیدند.

باتوجه به جهات منفی مثبت راه حل های فوق و با عنایت به شرایط کلی جامعه به نظری رسد که راه حل اداره شورائی واحدهای مشوره فنی مناسب ترین راه برای ایجاد مالکیت گروهی در این واحدها می باشد.

و نمی تواند از آن صرف نظر کند. طبقه ای که قدرت را به دست می گیرد از راه یک رشته اصلاحات که گاه برای دهها سال رده بندی می شود به هدف های کوناگون خود نایل می آید. چنانکه ملاحظه شد در کترین "سوسیالیسم دموکراتیک" به علت استخوان بندی سست و نااستوارش از طرح های اساسی که جهان بینی کارگری آن را فرمول بندی نمود بی بهره است. این طرح های عمده عبارتند از رشد آزاد فرد، برابری (یا عدالت به قول پیروان "سوسیالیسم دموکراتیک")، برابری یعنی انترناسیونالیسم پرولتری (که آنها شعار همبستگی را در مقابل آن قرارداد مآند) البته، بین اسلوب های تحقق این هدف - هاتفاوت اصولی وجود دارد. سوسیالیسم دموکراسی که آشتی "سوسیالیسم" و سرمایه داری را هدف خود قرار داده است، در حقیقت از مبارزه برای هدف غائی جنبش کارگری روی می گرداند.

جهان بینی کارگری ترجیح می دهد که انتقال قدرت به طبقه کارگر مسالمت آمیز باشد. یعنی انقلاب بدون توسل به قهر انجام گیرد. در این صورت طبقه کارگر، از همه وسایل موثر در موقعیت مشخص چون رای عمومی، قدرت قانونگذاری پارلمان و یا اعتصاب عمومی برای تشکیل حکومت انقلابی سود می جوید. توسل به قهر در شرایطی ضرورت می یابد که ضد انقلاب به مقابله برخیزد. بنا بر این قهر همیشه به وسیله ضد انقلاب تحمیل می شود. تجربه شیلی یکبار دیگر این حقیقت جهانشمول را به اثبات رسانید.

کسب قدرت اعم از این که مسالمت آمیز باشد یا قهرآمیز تازه آغاز کار است و هرگز به معنای گذار "اتوماتیک" به سوسیالیسم و مرحله عالی آن نخواهد بود. انقلاب سوسیالیستی تنها پیش در آمد یک حرکت پویا برای کارطو لانی و دشوار در بهبود مناسبات اجتماعی در همه جوانب آن است. در لنین جاست که انقلاب از اصلاحات سود می جوید

خواستار انقلاب اند و بدین منظور عده زیادی را قریبانی کرده، دست به جنگ های ویرانگر داخلی می زنند که در نیروهای مولده تأثیر منفی دارند. آنها با لاف و کزاف می گویند که کمونیست هانمی توانند از انقلاب علمی و فنی و موقعیت کنونی پیشرفت جوامع سرمایه داری برای تحقق مدلول دگرگونیها استفاده کنند و لذا در برخورد با این امکانات اسیر اندیشه های کهنه خویش اند. بدیهی است که این ارزیابی ها بکلی نادرست است زیرا از دیدگاه جهان بینی طبقه کارگر انقلاب از آن جهت ضرورت دارد که فرمها به هیچ وجه نمی توانند به حل مسأله بپردازند که تنها از عهد انقلاب برمی آید. چنانکه می دانیم در مقیاس گسترده های همه چیز به هدف بستگی دارد. مثلا هرگاه موضوع عبارت از بهبود بخشیدن سیستم مستقر باشد، سأل فرمها مطرح می شود. اما چنانچه دگرگونی بنیادی در دستور روز قرار گیرد باید به تدارک و انجام انقلاب پرداخت.

بقیه از صفحه ۲  
"سوسیالیسم دموکراتیک"  
برای دگرگون ساختن انقلابی ساختارهای کهنه اجتماعی - اقتصادی باشد. رهبران جناح راست سوسیالیست انتظار دارند که تئوری پردازان شان دست به ابداع "سوسیالیسم مردمی همگانی" بزنند و برای کسب مواضع تازه در همه قاره ها شتاب کنند. اما این فعالیت که توأم با محکومیت شغافه سی سرمایه داری است، مانع از پیشرفت واقعی کشورهای "جهان سوم" در جهت استقرار جامعه ای بر مبنای عدالت اجتماعی شده است. تیز راه کشودن به سوی دموکراسی اجتماعی از دیدگاه سوسیالیسم دموکراتیک به چه معناست؟ آنها برای استقرار این دموکراسی چه اقداماتی به عمل می آورند و راهش چیست؟ آنچه مسلم است اینست که آنها از انقلاب مانند جن از بسم الله می ترسند. و به همین علت هرگاه صحبت از انقلاب به میان می آید از خود می پرسند، چرا کمونیست ها به هر قیمت



### هدف اساسی پیمان

پیمان نظامی جدید به همین منظور تدوین و اکنون بوسیله رژیمهای دست نشانده آمریکا در منطقه به مورد اجرا گذارده می شود. برای تشکیل چنین پیمان نظامی از جانب آمریکا در این منطقه مقدمات لازم فراهم آمده است. نیروی عظیمی از ناوگان جنگی و واحدهای هوایی و تفنگداران دریایی آمریکا در این منطقه استقرار یافته اند. اکنون تنها در خلیج فارس ۳۰ ناو جنگی، دو ناو هواپیمابر "یزن هاور" و "کونستالین" دو ناو جنگی حامل ۱۸۰۰ تفنگدار دریایی و ناو هلیکوپتر "گوادال کانال" در آبهای خلیج فارس متمرکز شده اند. علاوه بر این امپریالیسم آمریکا در مصر، عربستان سعودی، عمان، پاکستان، ترکیه، سومالی و کنیا پایگاه های نظامی جدیدی تأسیس کرده و تمام تأسیسات نظامی و پایگاه های هوایی و دریایی این کشورها را برای پیاده کردن و استقرار واحدهای نیروی دریایی و هوایی خود در اختیار گرفته است. طی دو سال اخیر روابط و همکاریهای نظامی میان رژیمهای وابسته به آمریکا در منطقه گسترش یافته و کمکهای نظامی و تسلیحاتی آمریکا به این رژیمها افزایش یافته است و بدینوسیله هم پیوندی سیاسی و نظامی این رژیمها تحت نظارت و برابری نقشه های نظامی آمریکا برای شکل گرفتن در یک پیمان نظامی جدید مشابه پیمان نظامی سنتو که در نتیجه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران فروپاشید، انجام شده است.

اینک که توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، یکی پس از دیگری با شکست روبرو گردیده و تجاوز نظامی خائنانه رژیم صدام جنایتکار که به تحریک امپریالیسم آمریکا انجام گرفته، به مرحله شکست نهائی خود نزدیک می شود، فرماندهان نظامی آمریکا در صدد برآمدنند، طرح تشکیل پیمان نظامی تجاوزی در این منطقه را به دستیار رژیمهای وابسته به امپریالیسم آمریکا عملی سازند.

دریا سالار بیگن در اظهارات چندی پیش خود طرح تشکیل پیمان نظامی جدید آمریکا در منطقه فاش کرد و مورد تایید قرار داد. دریا سالار بیگن اظهار داشت هیچ چیز مانع آن نیست که در این منطقه (منطقه خلیج فارس) یک سازمان نظامی و سیاسی در همان سطح و با همان نفوذی که پیمان ناتو دارد تشکیل شود. وی افزود منافع استراتژیکی آمریکا ایجاب می کند که در اقیانوس هند یک ناوگان دریایی برای استقرار دائمی ایجاد شود. در بی این اظهارات دریا سالار آمریکائی شاهزاده نایف بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان سعودی مسافرتی به کشورهای منطقه خلیج فارس انجام داد و طی همین سفر اعلام نمود عربستان سعودی در نظر دارد موافقت نامه های امنیتی با کویت، بحرین، قطر، امارات متحد و سلطان نشین عمان امضاء کند. وزیر دفاع عربستان سعودی پس از سفر خود به کشورهای منطقه خلیج فارس از پاکستان دیداری به عمل آورد و در آخرین روز دیدار خود در مصاحبه با خبرنگار راد پوپا پاکستان اظهار داشت: علیرغم فاصله جغرافیائی میان دو کشور، ما مانند یک روح و یک جسم متحد هستیم. ولیعهد عربستان سعودی در مورد کمکهای نظامی رژیم عربستان سعودی به رژیم دیکتاتوری نظامی ضیا الحق گفت: هر گونه آسیبی که به پاکستان وارد آید، مداخله در عربستان سعودی تلقی خواهد شد. وزیر

دفاع عربستان سعودی در مسافرت خود به کشورهای منطقه خلیج فارس مسئله پیمان نظامی را مطرح ساخت که در برگیرنده رژیم های دست نشانده آمریکا در این منطقه خواهد بود و در دیدار خود از پاکستان نیز از اتحاد نظامی دو کشور و کمکهای نظامی عربستان سعودی به رژیم دیکتاتوری نظامی ضیا الحق سخن گفت. باتوجه به نقشی که عربستان سعودی در این منطقه در اجرای برنامه های نظامی و تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا ایفا می کند و قراردادها و موافقت نامه های نظامی که میان عربستان سعودی و پاکستان و دیگر رژیمهای دست نشانده آمریکا در منطقه منعقد می کرد در رژیم عربستان سعودی مأمور اجرای طرح آمریکا برای تشکیل یک پیمان نظامی تجاوزکار در این منطقه شده است. پس از تجاوز نظامی رژیم جنایتکار صدام حسین به ایران، ژنرال دیوید جونز رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا به عربستان سعودی مسافرت کرد. ژنرال آمریکائی در این مسافرت مسئله تشکیل پیمان نظامی از رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا را با مأموران عربستان سعودی مورد بحث قرار داد، در آستانه همین دیدار دولت آمریکا چهار فرزند آواکس، رادار پرنده، به منظور برقراری کنترل بر منطقه و کسب اطلاعات در اختیار عربستان سعودی قرار داد. اندیشه تشکیل یک پیمان نظامی جدید در این منطقه بلافاصله پس از تسلیم رژیم خیانت پیشه انور سادات در برابر اسرائیل و آمریکا، در وزارت دفاع آمریکا مطرح گردید و هدف اولیه این پیمان جلب رژیمهای ضد خلقی و وابسته کشورهای عربی در مرحله اول به موافقت نامه های کمپ دیوید و سپس به یک پیمان نظامی که مؤسسان آن آمریکا، اسرائیل و مصر باشند تا بدینوسیله در رجهبه متحد کشورهای عربی در برابر سیاست تجاوزی و توسعه طلبانه اسرائیل شکافی ایجاد گردد و در مقابل کشورهای عضو رجهبه پایدار یک اتحاد نظامی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و دستیار آن اسرائیل بوجود آید. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و انقلاب دموکراتیک در افغانستان که همزمان با تضعیف مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا در منطقه بود. مواضع کشورهای عضو رجهبه پایداری و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیستی در این منطقه نیرومند گردید. طرح تشکیل پیمان نظامی در این منطقه از جانب امپریالیسم آمریکا این باره شکل دیگری بوسیله رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه مطرح می شود هدف امپریالیسم آمریکا از تشکیل چنین پیمانی قبل از هر چیز ایجاد یک اتحاد سیاسی و نظامی از همه رژیمهای ضد خلقی و وابسته در منطقه در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای عضو رجهبه پایداری است. از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا تلاش می کند با ایجاد چنین پیمان نظامی هم پیوندی سیاسی و نظامی رژیمهای ضد خلقی و وابسته به خود در منطقه را هر چه عمیق تر نماید تا از این راه جنبش های استقلال طلبانه و ضد استعماری خلقهای این کشورها را که تحت تأثیر انقلاب ایران و دیگر تحولات انقلابی در منطقه گسترش می یابد، سرکوب نماید.

**شرکت فعال در جنگ عادلانه**  
**برضد دولت متجاوز عراق**  
**یک وظیفه انقلابی است!**

بقیه از صفحه ۱  
**تحکیم صلح و پیشرفت**  
مصاحبه ای که بانوطئه گران و خرابکاران فرستنده اروپای آزاد به عمل آورد سبب مخالفت خود را به تفصیل توضیح داد. اظهارات او در این نکته خلاصه می شد که ایمن نظریه آمریکا را در مقابل با اتحاد شوروی در وضع ناصحانه قرار می دهد (کتاب "دنانت" لندن، ۱۹۷۶، صفحات ۲۴۸-۲۶۲). سال بعد (۱۹۷۷) که او دیده می شود به سبب داشتن چنین افکاری (به مقام مشاور امنیت ملی کاخ سفید رسید، در گزارش می که برای تعیین مبانی سیاست خارجی آمریکا تهیه گردید پیشنهاد کرد: به جای سیاست تنش زدایی باید سیاست "تأمین کردن رقابت دوره جنگ سرد" با همکاری دوره تنش زدایی "پیش گرفته شود. این پیشنهاد در واقع به منزله "جمع کردن دو چیز مانع الجمع یعنی توأم کردن صحبت پیرامون تنش زدایی و عمل در جهت تنش افزایش بود.

البته، این خط مشی محافظ امپریالیستی احترامی شدیدی به نیروهای صلح دوست و ترقی پرور جهان را برانگیخت. اندیشمندان مترقی، هوادار صلح، آزادی و دموکراسی در شانزدهمین کنفرانس جهانی فلسفه، که سال بعد (۱۹۷۸) در آلمان فدرال برگزار می شد پیشنهاد کردند که مسائل ایدئولوژیک و فلسفی مبارزه در راه صلح مطرح مذاکره واقع شود. با وجود مخالفت اندیشمندان مدافع نظام سرمایه داری زبرد "دفاع از فلسفه تمیز"، معذالک سمپوزیوم "دانش و مبارزه در راه صلح" به پیشنهاد دانشمندان مترقی برگزار گردید. بطوریکه رئیس افتخاری فدراسیون جهانی انجمن های فلسفی، دانشمندان اطریشی گابریل در پایان سخن خود متذکر شد "بالاخره تلاشهایی که برای بیرون کردن تندترین مسئله معاصر از این کنفرانس به عمل می آمد عقیم ماند" نه تنها دانشمندان کشورهای سوسیالیستی (آلبانیا، سومین، ولگوکونف، دیتریف از شوروی، اویتیس از آلمان دموکراتیک، ریخستا از چکسلواکی، کوچننسنکی از لهستان و دیگران) بلکه بسیاری از فلاسفه و اندیشمندان برجسته هوادار صلح از کشورهای سرمایه داری (نظیر دانشمندان آمریکائی سومرویل، پارسونس و دیگران) در سخنرانیهای خود سیاست خطرناک دولت آمریکا را مورد تحلیل انتقادی قرار داده به شدت محکوم کردند و نظرات اندیشمندان مرتجع چون فیلسوف اطریشی کینتزل را مورد وضد مردمی شمردند نظریه این مبلغ نظام سرمایه داری از این لحاظ بسی مشخص کننده بود که چگونه هجوم به فلسفه علمی و ایدئولوژی انقلابی با دفاع بی شرمانه از سلاح کشتار جمعی توأم می شود. این فیلسوف اطریشی، که سبب تشنج اوضاع بین المللی را در اصول جهان بینی انقلابی علمی می دید، به صراحت از لزوم تولید "بمب نوترونی" دفاع می کرد. سخنرانی او آشکارا نشان داد که در دوران ما چگونه طرفداری از "فلسفه تمیز" خواه خواه به دفاع از "بمب تمیز" (یعنی اسلحه ای که انسانهارا نابود می کند و ثروتهایشان را برای متجاوز باقی می گذارد) منجر می شود. به عبارت دیگر، "فلسفه تمیز" در واقع پوشش ایدئولوژیک "بمب تمیز" این اسلحه خطرناک ضد بشریست که امپریالیسم می خواهد به خدمت سیاست نواستعماری و جهانخواهی خود بگیرد. در مقابل چنین ادعائی بود که اندیشمندان صلح دوست و آزادخواه آمریکائی سومرویل با ارائه ادله و براهین غیر قابل انکار متذکر شد: امپریالیسم، و پیش از همه امپریالیسم آمریکا مسئول

وجود خطر جنگ است، نه اصول علمی جهان بینی انقلابی معاصر، این دولت آمریکاست که مخالف اهداف مقدس تثبیت و تحکیم صلح در جهان است. برابر محاسباتی که آمارگران آمریکائی کرد هاند، مواد منفجره ای که امپریالیسم آمریکا به صورت کلوله، مین، خمپاره، بمب و موشک بر سر مردم بی سلاح، وطن پرست و آزادخواه ورزنده ویتنام ریختند از ۱۳ میلیون تن افزون بوده است. طبق همین محاسبات مجموع این نیروی انفجاری هزار بار بیش از نیروی تخریبی بمب اتمی است که امپریالیسم آمریکا به روی شهر هیروشیما انداخت. تنها در جنگهای "محلی" که امپریالیسم آمریکا در عرض ۳۰ سال پس از جنگ جهانی اخیر (۱۹۷۵-۱۹۴۶) در نقاط مختلف جهان به خلق ها تحمیل کرده است، بیش از ۲۰ میلیون انسان، یعنی دو برابر تلفات جنگ جهانی اول، کشته شده است. و همه این جنگها، کم و بیش به گونه های مختلف نظیر همین جنگ تجاوزکارانه خونینی بوده است که امپریالیسم آمریکا به دست رژیم مزدور صدام تکریتی به مردم زحمتکش و مستضعف و در عین حال مصمم و ورزنده جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است.

حاجت به استدلال نیست، که سیاست تنش افزایشی، تشدید "جنگ سرد" کماندز جهان به لبه پرتگاه جنگ جهانی جدید که بی کاربرد سلاحهای مهیب کشتار جمعی انسانها و محتومدن ها نخواهد بود، نمی تواند اعتراض شدید مردم زحمتکش و صلح دوست جهان را برنیا نگیزد. این است که سیاستمداران و اندیشمندان مدافع امپریالیسم و نظام سرمایه داری به هزاران حيله و تزویر، جعل اخبار و تحریف حقایق دست می زنند تا ماهیت و مقصد اصلی این سیاست ضد بشری را از انظار پوشیده دارند. بنحوی از انحاء آن را توجیه نمایند، مبارزین پیگیر راه صلح، همزیستی مسالمت آمیز، استقلال، آزادی، ترقی و رفاه همگانی را مقصود جلوه گر سازند، عزم راسخ آنها به دفاع از حقوق حقه خویش را "با ج گیری"، "قانون شکنی"، "تجاوزکاری" و برعکس، غارتگری، توسعه طلبی، تجاوزکاری و جهانخواهی امپریالیسم به سر کردگی امپریالیسم آمریکا را دفاع از "حیثیت"، "مصالح ملی" و "منافع حیاتی" امپریالیست قلمداد کنند.

در این زمینه بود که نظر گرفتن واقعات سال های اخیر جهان است که همه ما هیت ریاکاران و سالوسانہ جنجالی که مدافعین امپریالیسم پیرامون وقایع افغانستان یا حوادث لهستان برپا کرده اند کاملاً آشکار می شود. امپریالیسم آمریکا مدت ها قبل از انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی جزیره دیکو- کارسیار به پایگاه نظامی خود در اقیانوس هند مبدل کرده بود. امپریالیسم آمریکا مدت ها قبل از درخواست دولت افغانستان از اتحاد شوروی و اعزام نیروهای محدود این کشور به افغانستان به تمرکز ناوگان دریائی خود و همپیمانانش از گروه "ناتو" در آبهای خلیج فارس و دریای عمان پرداخته بود. امپریالیسم آمریکا مدت ها پیش از اعتراضات اخیر در لهستان به تدارک استقرار بیش از ۶۰ موشک با کلاهک های اتمی جدید در کشورهای اروپای غربی آغاز کرده بود. فریبکاری مبلغین جیره خوار امپریالیسم نمی تواند ماهیت واقعی حوادث را در گرون سازد، نیروهای مترقی، صلح دوست و آزادی خواه جهان بانگ اعتراض خود را علیه سیاست تنش افزایشی و سابقه تسلیحاتی که از سوی کارگردانان امپریالیسم اعمال می شود بلند بقیه در صفحه ۷



# انقلاب لا ئوس

مبارزه خلق لا ئوس را در راه رهائی ملی و برضد امپریالیسم آمریکا وظیفه خود می داند. حزب توده انقلابی لا ئوس این نقش رهبری را در دوران انقلاب دموکراتیک ملی و گذار به سوسیالیسم حفظ نمود.

مبارزه میهن پرستان لا ئوس برای آزادی و استقلال و پیشرفت اجتماعی با موفقیت روبرو بوده است. کنکره ملی نمایندگان خلق لا ئوس که به ابتکار میهن پرستان لا ئوس تشکیل شد، در دسامبر ۱۹۷۵ سلطنت را منحل و جمهوری دموکراتیک خلق لا ئوس را اعلام نمود. بدین سان مرحله انقلاب دموکراتیک ملی در لا ئوس بطور مسالمت آمیز پایان یافت و رژیم دموکراتیک توده های برقرار شد و خلق لا ئوس تحت رهبری حزب توده انقلابی لا ئوس پی افکندن پایه های سوسیالیسم را آغاز نمود.

این پیروزی پیش از همه مدیون خط مشی درست رهبری هوشمندانه حزب توده انقلابی لا ئوس است که با قرار گرفتن در مواضع جهان بینی کارگری منافع زحمتکشان کشور و تمام ملت لا ئوس را در برنیا می آورد. این پیروزی در عین حال ثمره همیاری موثر خلق لا ئوس با خلقهای برادر ویتنام و کامبوج و ثمره یگانگی آنان است که در مبارزه با دشمن مشترک آبدیده شده است. این پیروزی به موهبت یاری و پشتیبانی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، جنبش انقلابی بین المللی و رهائی بخش و همه نیروهای ترقیخواه جهان امکان پذیر شده است.

## خط مشی حزب

لا ئوس سابقاً کشور مستعمره بود. از این رو حزب (نخست حزب کمونیست هندو چین و سپس حزب توده انقلابی لا ئوس) از همان ابتدای پیدایش خود رهبری مبارزه را در بیرون راندن استعمارگران و در هم کوبیدن پشتیبانان مرتجع داخلی آنان به عهده گرفت. برای تجهیز و تحکیم نیروهای ملی لا ئوس که اصلاحات اساسی دموکراتیک به نفع زحمتکشان انجام گیرد. از این رو خط مشی استراتژیک حزب عبارت از حل همزمان وظایف ملی و دموکراتیک بر اساس ویژگیهای کشور بود. فوهمیان در این باره تاکید می کند که خط مشی عمومی حزب توده انقلابی لا ئوس عبارت از برافراشتن پرچم انقلاب دموکراتیک ملی تحت رهبری حزب طبقه کارگری است سوسیالیستی است. در حال حاضر، انقلاب لا ئوس به مرحله سوسیالیستی خود گام نهاده است. نمونه لا ئوس عمق و صحت تاریخی این اندیشه لنین را روشن ساخت که هر انقلاب... در صورتی می تواند توده های باشد و واقعاً اکثریت را به جنبش بکشد که همه آنان یعنی پرولتاریا و دهقانان را در برگیرد... بدون این اتحاد نه دموکراسی مستحکم وجود دارد و نه گونی های اجتماعی امکان پذیر است. (آثار ج ۲۵، صفحات ۴۵۱ - ۴۵۰). در لا ئوس حزب به اعتبار وجود این عامل موثر توانست این اتحاد محکم بین طبقه کارگر و دهقانان را به وجود آورد. ارگان های قدرت خلق که این اتحاد را در عمل استحکام بخشیدند، تحت رهبری حزب و دیکتاتوری کارگران و دهقانان توانستند در دوران انقلاب دموکراتیک ملی در مناطق گزاد شده به اصلاحات دموکراتیک دست یازند، تولید را اعتلاء دهند و رفاه مردم را توسعه بخشند. عامل مهم دیگری که به پیروزی انقلاب یاری رساند، ایجاد جبهه متحد ملی و تحکیم و گسترش آن بود. حزب توده انقلابی لا ئوس

در دوران انقلاب دموکراتیک ملی سیاست معقولا نهی را در اشکال مختلف بکار گرفت که هدف آن اتحاد همه لا ئوسی ها، صرف نظر از موقعیت اجتماعی و اعتقاد مذهبی شان و جلب همه عناصر ترقیخواه و میهن پرست کشور به این اتحاد بود. جبهه میهن پرست لا ئوس (از فوریه ۱۹۷۹) جبهه لا ئوسی ساختمان ملی (سالهاست در رهبری مبارزات ضد امپریالیستی نقش فعال دارد.

یکی از نتایج مثبت سیاست جبهه متحد این بود که توانست نیروهای بینابینی را به همکاری جلب نماید. این امر در شرایط لائوس که آنها نقش قابل ملاحظه ای در همه قلمرو های زندگی، در جای نخست در قلمرو های فرهنگی و اجتماعی ایفا می کردند، اهمیت ویژه ای داشت. از این رو، یک همکاری سیاسی و نظامی با بی طرفی های دارای گرایش های میهن پرستانه که مترقی ترین عنصر نیرو های بینابینی را تشکیل می دادند، برقرار گردید. سپس سایر گروه ها، مخصوصاً شخصیت های بلند پایه دولتی، افسران و اعضای پارلمان به این جبهه وسیع متحد پیوستند. نرزش حزب توده انقلابی لا ئوس در رفتار به وی امکان داد که همه نیروها و جریان های ترقیخواه و میهن پرست را متحد سازد.

## تحکیم قدرت خلق

هریک از مراحل انقلاب لا ئوس از اشکال ویژه مبارزه برخوردار بوده است. در عین حال، همه آنها در گرایش به تجمع و شکل اساسی وجه مشترک داشته اند. شکل مبارزه سیاسی و نظامی که گاه یکی از آنها مقدم بر دیگری و گاه هر دو آنها همزمان مورد استفاده قرار می گرفتند هر انقلاب ضمن پیشرفت در جهت هدف نهائی خود باید بر تعدادی از موانع که توسط دشمنانش ایجاد می شود فائق آید. و این انقلاب بین رانان چارمی سازد که در لحظاتی معین به تغییر اسلوب ها و گاه حتی به قبول سازش هائی تن در دهند. حزب طبقه کارگر لا ئوس در قیابا همین ترتیب عمل نمود: آنها مخصوصاً از اسلوب هائی چون مذاکره با دشمن و تشکیل حکومت ائتلافی استفاده کردند. قبول میهن پرستان لا ئوس در این ائتلاف یک شکل از مبارزه سیاسی شان بود. مخصوصاً یک مسأله برای انقلابیون لا ئوس اهمیت فراوان داشت: و آن این که چگونه باید به قدرت رسید - و قدرت مکسبه را حفظ نمود - بی آنکه جنگ داخلی جدیدی براه بیفتد. در این مورد آنها بر اساس این توصیه لنین عمل کردند: "... در موارد معین، به عنوان استثنا، می تواند اتفاق بیفتد که بورژوازی بطور مسالمت آمیز از قدرت چشم ببوشد، و این در صورتی است که او اعتقاد پیدا کند که هر مقاومت بیپوده است و ترجیح دهد که سرش را به باند هد (آثار ج ۲۳، ص ۷۵). می دانیم که آخرین مرحله انقلاب لا ئوس در قیابا چنین اوضاعی جریان یافت. در ۱۹۷۵ حزب توده انقلابی لا ئوس توانست به قدرت برسد و حتی آن را حفظ کند بی آنکه نیروهای ضد انقلاب بتوانند دست به جنگ داخلی بزنند و یا ارتجاع خارجی مداخله مسلحانه نماید.

حزب توده انقلابی لا ئوس ضمن وفا داری کامل به منافع طبقه کارگر، همه زحمتکشان و بطور کلی خلق لا ئوس عوامل ملی و بین المللی را در فعالیت هایش مد نظر قرار داد. آن ها را هوشیارانه به هم تلفیق نمود و وظایف انقلاب لا ئوس را با وظایف روند انقلابی جهانی باید یکپارچه نمود. رهبری این حزب بکرات اعلام داشتند که انقلاب لا ئوس از انقلاب هند و چین و روند انقلابی جهان جدا نشدنی است. روابطی که لا ئوس با ویتنام و کامبوج

داشته و دارد برای این کشور اهمیت تعیین کننده دارد. خلقهای این سه کشور که در یک منطقه جغرافیائی زندگی می کنند، قربان نیان تجاوزان واحد: استعمارگران فرانسیسی و ژاپنی و امپریالیست های آمریکا - نی بودند. در ۱۹۳۰ مبارزه خلقهای هند و چین در راه رهائی ملی و آزادی اجتماعی تحت رهبری یک حزب انجام می گرفت. سپس هنگامی که هر یک از این کشورها به تأسیس حزب کمونیست ویژه خود پرداختند، خلقهای ویتنام، لا ئوس و کامبوج به همبستگی و کمک متقابل شان ادامه دادند، در راه تحکیم آن کوشش فراوان نمودند. این پیوند به پیروزی شان کمک نمود. چنانکه در ۱۹۷۵ تقریباً همزمان بر امپریالیسم آمریکا و گماشتگان محلی آن فائق آمدند.

اتحاد برادرانه سه خلق هند و چین به هیچ وجه یک قدراسیون نیست، بلکه تنها اتحاد کشورهای صاحب حاکمیت است که ضرورت عینی تاریخی آن را ایجاد نمود و یکی از عواملی است که کامیابی شان را در مبارزه با خطر آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی تضمین می کند.

## توجه لازم به ویژگی های کشور

آنچه درخور توجه است خصلت و شیوه های فعالیت یک حزب با جهان بینی کارگری در شرایط ویژه لا ئوس می باشد. این حزب از لحظه بی ریزی به حل یک مسأله ویژه و دشوار پرداخت، و آن اعتلاء ایدئولوژی کارگری در کشوری بود که در آن توده های وسیع مردم بقول لنین "... کارگران (نبودند) که مکتب کارخانه ها و مؤسسات تولید سرمایه داری را گذرانده باشند، بلکه نمایندگان نمونه وار توده های زحمتکش و استثمار شده دهقانانی بودند که زیر یوغ قرون وسطائی از پا در آمده بودند" (آثار ج ۳۰، ص ۱۰۹).

لا ئوس پیشرفت خود را به سوی سوسیالیسم هنگامی آغاز کرد که سطح رشد اجتماعی - اقتصادی اش بسیار پایین بود. روابط ماقبل سرمایه داری و عقب ماندگی فاحش اقتصاد و فنی کشور نتیجه گذشته فئودالی و استعماری و کشمکش های سالهای طولانی بود. در خط مشی دوره انتقال مصوب چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده انقلابی لا ئوس منعقد در ۱۹۷۷ (وظیفه زیرانتخاب شد: ۳ انجام همزمان سه انقلاب در زمینه روابط تولید، علمی و فنی، ایدئولوژی و فرهنگ". در چهار سالگی که از انجام انقلاب دموکراتیک ملی گذشته، خلق لا ئوس به رهبری حزب توده انقلابی لا ئوس توانست با استفاده از تجربه کشورهای برادر سوسیالیستی و برخورداری از پشتیبانی و کمک متقابل آنها به اصلاحات بنیادی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و فرهنگی دست یازد. همه زمین ها، جنگلها، منابع آبی و معدنی و نیز اراضی شهری به مالکیت خلق درآمده است بانکهای خصوصی، شرکتهای تجاری خارجی و دارائی های کپرادرها و دیگر ضد انقلابیون ملی شده اند. بخش دولتی اقتصاد بوجود آمده و بانعام وسایل تحکیمی باید. پروسه تعاون به سرعت روستا را به پیش می راند. اقدامات زیادی در جهت اصلاح شرایط مادی توده های وسیع زحمتکش، محویسواک و ایجاد فرهنگ نوین انجام گرفته است.

حزب توده انقلابی لا ئوس باید بر بسیاری از مشکلات عینی دوره انتقال و موانعی که ضد انقلاب داخلی و نیروهای امپریالیسم و ارتجاع بین المللی مورد حمایت وی در راهش ایجاد می کنند، فائق آید. تجربه انقلاب و ساختمان بی بناهای سوسیالیسم در لا ئوس پیش بینی های لنین را در خصوص خطوط برجسته انقلاب سوسیالیسم

# تحکیم صلح و پیشرفت

کرد هاند. چند روز پیش دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا نوری عبدالرزاق گفت: "ما بر این عقیده ایم که تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و ساختن پایگاه های نظامی از جمله پایگاه در یوکوکارسیا، احداث پایگاه در منطقه خلیج فارس، پایگاه های عمان، و همچنین اعلام خلیج فارس به عنوان "منطقه حیاتی" آمریکا، تهدیدی جدی علیه خلقهای منطقه خلیج فارس و صلح و ثبات آن است". در مذاکراتی که چندی قبل در شهر الجزیره بین محمد شریف مساویه مسئول دبیرخانه دائمی کمیته مرکزی جبهه آزادی بخش الجزیره و ژنرال نکونین جیاب معاون نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام روی با طرفین اتفاق نظر رهبری دو کشور را در زمینه مسائل مربوط به پشتیبانی از مبارزه رهائی بخش ملی خلقها زیرستم، لزوم تحکیم جنبش عدم تعهد و مبارزه برای صلح و استقرار نظام اقتصادی جدیدی را در جهان تاکید کردند. هر دو طرف تاکید کردند که برای حفظ صلح و پیشبرد سیاست تنش زدائی لازم است جبهه متحدی علیه امپریالیسم، صهیونیسم استعمار و نژاد پرستی تشکیل شود. رهبرانی و منکبستوها یله ما را با در نامه ای که برای بانوکاندین نخست وزیر هند فرستاد از توطئه های آمریکا در اقیانوس هند ابراز نگرانی کرد. بانوکاندین در پاسخ به آمریکا را به خاطر این گونه تلاشها که با افزایش تنش در منطقه منجر می شود محکوم کرد و متذکر شد که این تلاشها ناقص تصمیم های جنبش عدم تعهد است. این جنبش در کرد هائی لوزاکا رسماً اعلام کرد بود که اقیانوس هند باید به منطقه صلح مبدل شود. هفته گذشته بیش از ۵۰ هزار نفر از دانشجویان، استادان و نمایندگان سازمانهای ترقیخواه و صلح دوست آلمان فدرال علیه تصمیم پیمان نظامی ناتو جهت استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی دست به تظاهرات گسترده ای در چند شهر بزرگ زدند. دبیرکل فدراسیون جهانی جوانان دمکرات میکوش با راباش در صاحب خود با هفته نامه "هورتیسون" (به مناسبت ۳۵ - مین سالگرد این فدراسیون) متذکر شد که "ماتصمیم ناتو را در دسامبر پیش منبری بر استقرار موشکهای میان برد در اروپای غربی به مثابه تلاش آشکارا یا لایحه متحده آمریکا و ناتو برای کسب برتری نظامی در قبال اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ارزیابی می کنیم. به عقیده ما، تسریع سابقه تسلیحاتی راه حل مسائل سیاسی نیست. از این رو، جوانان جهان، با احساس کامل مسئولیت خود در این زمینه، خواستار تصویب سالت ۲ و ادامه مذاکرات موثر در باره خلع سلاح هستند. او اظهار اطمینان کرد که "در ژانویه سال آینده (یکماه دیگر) که گرد هائی جوانان و دانشجو - یان جهان در باره خلع سلاح در هلستینکی (پایتخت فنلاند) برگزار خواهد شد، جواب دندان شکنی به "قهرمانان" سابقه تسلیحاتی داده خواهد شد".

تحکیم صلح و همزیستی مسالمت آمیز، پیشرفت تنش زدائی و بی برکت کردن آن به سود جنبش های رهائی بخش ملی خلقهای

بقیه در صفحه ۸  
لیستی و ساختمان سوسیالیسم به مقیاس وسیعی تأیید نمود و در عین حال ناگزیری و ویژگی روند انقلابی در کشورهای مختلف را که به راه سوسیالیسم کام می نهند نشان داد. این تجربه ارثیه گرانبهائی برای تئوری و پراتیک انقلابی به شمار می رود.



بقیه از صفحه ۱

### دقت کنیم و...

و برای رویارویی با آن از همه نیروها و امکانات ملی و بین المللی بهره جست، در ماهیت امپریالیسم آمریکا است آنچه از خد عوتوسطه و جنگ افروزی وی بی پروایی در تجاوز به حقوق دیگران که باید از آن انتظار داشت.

پس از آن که مجلس شورای اسلامی شرایط چهارگانه برای آزادی گروگانها را تصویب کرد و دولت آقای رجائی آن را از طریق الجزایر به اطلاع کاخ سفید رساند، دولت کارتر کوشید تا بایک رشته اشکال گیری و توضیح خواهی و پیش کشیدن مواضع قانونی کارا هرچه بیشتر در ازایکشاندن و باخسته کردن حریف اذرا به مذاکره و وجانبه مستقیم راضی کند. ولی دولت جمهوری اسلامی ایران با پای فشردن در مواضع اصولی خود نیرنگ آمریکا را بی اثر ساخت. پاسخ اخیر ایران هم جای کوچکترین ابهامی باقی نگذاشت و برای پایان دادن به مشکل گروگانها راه های عملی نشان داد، و آن چیزی نبود کسب سوزنی باحق و منطوق و عدالت منافات داشته باشد. با این همه، در آمریکا و کشورهای غرب، یکباره زبانها و قلم های رسمی و غیر رسمی به کار افتاد و فریاد سرداد کهاین "باج خواهی است" دولت کارتر صلاحیت پذیرفتن شرایط ایران را ندارد، درخواست ایران درباره سپردن وثیقه مالی چیزی است که دولت آمریکا نمی تواند و نمی خواهد مسئولیت آن را بر عهده بگیرد... وقتی هم که آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی،

اطلاعی نند که در صورت رد پیشنهادهای ایران از سوی آمریکا، گروگانها محاکمه خواهند شد، وزارت خارجه آمریکا در بی تهدید برمی آید که "محاکمه" گروگانها عواقب وخیمی برای ایران خواهد داشت "روزنامه" تایمز لندن القاء می کند: "غرب در انتظار برهم ریختن تعادل قوا در داخل ایران است تا گروگانها آزاد شوند".

این هشدارها و تهدیدها چیزی نیست که بتوان به سادگی از آن گذشت. جنگی تحمیلی بیش از سه ماه است که نیروهای زنده انقلابی ما را در غرب کشور میخکوب کرده و بیانی ها و آوارگی ها به بار آورده است. در عرصه سیاست داخلی، زیاده طلبی ها و قدرت گرایی ها بر اختلافها و بیگانگی هاوید - خواهی ها دامن می زند و هماهنگی و وحدت ملت را درهم می شکند. زمینه های تحریک و توطئه گسترش می یابد و فعالیت مسلحانه ضد انقلاب در کردستان از نوجان می گیرد. دشواریهای اقتصادی، کمبود برخی کالاها و افزایش هر روزه نرخها بر رضایی ها می - افزایشد. این همه، با توجه به واقعیت حضور بزرگترین ناوگان جنگی آمریکا و متحدانش در آبهای نزدیک ایران و تمرکز نیروهای واکنش سریع در پایگاه های عمان و بحرین و اقیانوس هند، رفت و آمدی در بین مردان سیاسی و نظامی امپریالیسم به امارات و کشورهای خلیج فارس برای سرهم بندی پیمان تجاوز - کرانه دیگری که می باید جانشین سنتسو شود، زمینه اشغال سه جزیره ایرانی دهانه تنگه هرمز که می تواند دخالت مستقیم آمریکا را به بهانه امنیت راه عبور نفتکش ها به دنبال

داشته باشد، باید در محاسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شود. با چنین دشواریهایی نمی توان بدون کرد آوری بزرگترین نیروی ممکن از هواداران صدیق انقلاب، روبرو شد. آنچه مطلوب است تنها رویارویی نیست، پیروز شدن است. هیچ انقلابی تاب شکست ندارد. برای ماندن و گسترش شدن و بالیدن، انقلاب باید پیروز شود، به هر قیمت که باشد، حتی با تجدید نظر در داوریهها و در ارزیابی ها.

در شرایط کنونی، تدارک پیروزی یکنانه وظیفه دولت انقلابی است. اجرای این وظیفه نیاز به واقع بینی دارد. از پشت و چنگ و دندان، تا جایی که مبین اراده پیروزی است، می - توان حرف زد. ولی خود پیروزی، عوامل و اسباب می خواهد، و در دنیای امروز پیشرفته ترین و کارآمدترین عوامل و اسباب که باید به دست کسانی به کار گرفته شود که به درستی، تحت نظمی ثابت و جاافتاده، از عهد فاش برآیند.

انقلاب ایران، در داخل و خارج مرزها، امیدواریهها و کینه های را برانگیخته و نیروهای ربه دوستی و پشتیبانی یا به تعرض و دشمنی واداشته است. در خط فاصل این درستی ها و دشمنی ها است که انقلاب راه به سر منزل مقصود می برد. در این باریکه راه است که انقلاب ایران متحدان راستین خود را می یابد و می تواند با اطمینان خاطر از آنان یاری بخواهد. در داخل، در برابر جبهه ضد انقلاب که امروزه عناصر لیبرال هم در حاشیه آن قرار گرفته اند و امکان دارد که به متن آن هم برسند، باید جبهه

متحد همه نیروهای پیروپا هوادار خط امام خمینی را به وجود آورد و به فعالیت واداشت. و اما در خارج، در برابر جبهه متحد ارتجاع و امپریالیسم منطقه، باید اتحاد با الجزایر و لیبی و سوریه و یمن و موکراتیک و سازمان آزادی بخش فلسطین ربه نحوی استوار پی ریزی کرد و در ورای آن از پشتیبانی مادی و معنوی اردوگاه سوسیالیسم و اتحاد شوروی و همچنین جنبش کشورهای غیرمتحد برخوردار گشت. تنها اجتماع این دو عامل داخلی و خارجی، به اضافه استواری در ایمان انقلابی، می تواند ما را به پیروزی رهنمون کرد. هر چه جزاین گفته شود خیالیافی است یا تعصب، و به هر حال در بر خورد با واقعیت همچون دود محومی شود باید جرأت نمود و بدون چشم پوشی از آرمانها و ایمان، سیاستی عملی در پیش گرفت. نباید گذاشت که پیشداوریها ما را، که در غرب کشور با مزدوران امپریالیسم می جنگیم، بر آن دارد تا در شرق آن کنیم که دلخواه آمریکا

همدستان اوست. با پیشنهاد های مشخصی راکه برای دور کردن ناوگان بیگانه از خلیج فارس و اقیانوس هند و کاستن از خطر درگیری عمومی داده می شود تخطئه کنیم و سرسری از آن بگذریم. امنیت ایران و رهایی ملت - های در بند مانده منطقه در گرو عملی شدن این گونه پیشنهادهاست. دقت کنیم و بهتر بنکریم.

انقلاب ایران، برای پیروز شدن بر کرکان امپریالیست و مزدوران داخلی شان، به یک سیاست خارجی جدی نیاز دارد.

### جامعه هنری آناهیتا آمادگی خود را در خدمت به هنر انقلاب اعلام میدارد

جامعه هنری آناهیتا در پاسخ به فراخوان حجت الاسلام خامنه ای امام جمعه تهران در مورد ضرورت شرکت هنرمندان در امپریالیسم انقلاب و پاسداری از جمهوری اسلامی ایران طی نامه سرکشاد های به عنوان نخست وزیر آقای محمد علی رجائی آمادگی همه جانبه جامعه را در همکاری برای اعتلای هنر انقلاب اعلام داشته است. امیدواریم پیشنهادات سازنده این جامعه در برپائی یک تئاتر ملی داعی حرفه ای که هدف آن صرفا خدمت به انقلاب است مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد.

### تراژدی گواتمالا

نویسندگان و هنرمندان مرفقی موسوم به "ساکرتی" (طلوع بود) سپس به دبیری بخش هنری ارکان کارگران انتخاب شد. هیوبرتو آلواراد و نه تنها رهبری برجسته سیاسی و دبیر گل کیمته مرکزی حزب کارگران گواتمالا بلکه نویسنده و شاعر سرشناسی بود. او بارها بعلت فعالیت های انقلابی زندانی یا از کشور تبعید شد. تقریبا بیست سال مخفیانه فعالیت می کرد در سامبر ۱۹۷۴ پیکر او را کنار جاده هومه پایتخت پیدا کردند نواهان تایید کرد هاند که در بدن سوراخ سوراخ شده وی نشانه های

از شکنجه های بیرحمانه وجود داشته است. این گزارش ها در مطبوعات سیستم جنایت رژیم وابسته به امپریالیسم این گزارشها در مطبوعات سیستم جنایت رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا تایید می کنند. دیکتاتوری نظامی گواتمالا کمک مشاوران آمریکائی هواپیمای مخصوصی انتخاب کرد هاند که به "قبرستان عمومی" شهرت دارد. این هواپیما در سال پنجاه به وسیله یکی از رهبران ضد کمونیست برای تعقیب قربانیان ساخته شد. مرگ هیوبرتو آلواراد و خشم عمومی مردم جهان را برانگیخت.

رهبران احزاب کمونیست و کارگری در سراسر قاره آمریکا خطاب به تمام ملل بیانیه های مبنی بر بازداشت قاتلین از جنایت و کمک به مردم گواتمالا در باز یافتن آزادی شان منتشر کردند. این بیانیه با امضای تنظیم کنندگان آن در سراسر جهان نشر یافت. در قسمتی از آن آمده است: "ما تمام ملل خاصه مردم قاره خود مان را مخاطب قرار داده و بطور جدی از آنان می طلبیم که با اقدامات فوری و قاطع خود به مبارزه مردم گواتمالا بپیوندند. خون رفقای شهید ما و هژازاران قهرمان دیگری باید هد رشود. از کتاب "جنایات امپریالیسم"

### تحکیم صلح و پیشرفت...

زیرستم، به سود آزادی، استقلال، ترقی و رفاه همگانی است. به همین سبب، بعلت اینکامین روند تاریخی ضد راه تجاوزات امپریالیستی، مانع جدی در راه صدور انقلاب به کشورهای انقلابی و در حال رشد است، با مخالفت محافل امپریالیستی روبرو شده است. و مخصوصا به همین سبب، بعلت اینکه این روند تاریخی به سود رهائی خلقهای رزمنده و مبارز از زیر یوغ استعمار و نواستعمار امپریالیستی است مورد پشتیبانی جدی همه نیروهای صلحدوست، آزاد بخواه و مرفقی جهان است. یکنه سیاست معقول و واقع بینانه دوران ماسیاست صلح، همزیستی مسالمت آمیز، تنش زدائی، تحدید تدریجی سابقه تسلیحاتی و نیل به خلع سلاح است این سیاست واقعیت پر همیز نباید بر زمان ماست، و بشریت راه دیگری برای زندگی و پیشرفت خود ندارد. به همین

سبب نیز باید برای تحکیم صلح، پیشرفت تنش زدائی، ترقی و رفاه همگانی با پیگیری و قاطعیت علیها امپریالیسم مبارزه کرد.

### "سوسیالیسم دموکراتیک"...

در زمینه تئوریک خود مفهوم "سوسیالیسم دموکراتیک" فاقد اعتبار علمی است. زیرا تنها سوسیالیسم به معنای واقعی کلمه می - تواند واقعا دموکراتیک باشد. تجربه سو - سیالیسم موجود به درستی شهادت می دهد که نقش دموکراسی سوسیالیستی بهنا استوار به کمال نرسیدن مناسبات اجتماعی سوسیالیستی و ناکافی بودن درجه رشد سیستم اقتصادی و سیاسی جامعه مربوط می شود. به عبارت دیگر می توان از اشکال و شرایط مختلف در اثبات اصول سوسیالیسم سخن گفت. برجسته کردن این تفاوت ها و مطلق کردن آنها ندریده گرفتن ارادی واقعیت و یا دریافت آشفته از آن است. نمی توان درخت سوسیالیسم را (در تئوری و پراتیک) به

### تصحیح

در مقاله "توده های وسیع خلق مستضعف... شماره گذشته صفحه ۳" ستون دوم سطر ۲۲، سطر زیر به ابتدای آن اضافه شود. مرد ما ز خود می پرسند، این آقایان که

**برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دفاع از جمهوری اسلامی ایران متحد شویم!**

دو شاخه مخالف تقسیم نموده

یادداشت:

۱- رهبران اپورتونیست راست بین - الملل دوم در مرز قرن نوزده و بیست

**یادآوری**

خوانندگان و دوستان ارجعند و همه مراجع رسمی و غیر رسمی می توانند به آدرس صندوق پستی ۱۱۱۷ / ۳۱۴ اتحاد مردم مکاتبه کنند.

**منتشر شد**

انتشارات جمعیت ایرانی هواداران صلح:

"وینتام از دیدگاه دارگاه نورنبرگ"

تألیف: ر. نامور

"اتحاد مردم"

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمود اعتماد زاده (م. ا. م. به آذین)

سر دبیر: محمد تقی برومند

آدرس: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

تلفن: ۶۴۴۳۸۴